

فرایندهای حلقه

یک روش نو/کهن
برای صلح جویی

کی پرانیس

کتابچه

فرایندهای حلقه

یک روش نو/کهن برای صلح‌جویی

کی پرانیس



توانا

TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

کتابچه فرایندهای حلقه
یک روش نو/کهن برای صلح‌جویی

The Little Book of Circle Processes
A New/Old Approach to Peacemaking

مترجم: آموزشکده توانا
(آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)
This Persian translation is published with permission
from Good Books.

کی پرانیس
Kay Pranis

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

بهار ۱۴۰۵

© E-Collaborative for Civic Education 2026

e-collaborative for civic education

(ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نويسي، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و برساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۸	۱. مقدمه
۸	چیزهای قدیمی نوسازی می‌شوند
۱۲	درباره این کتاب
۱۲	بستر تاریخی
۱۳	نمایی کلی از حلقه‌ها
۱۶	۲. کارکرد حلقه‌ها
۱۶	حلقه صلح‌جویی چگونه کار می‌کند؟
۱۸	انواع حلقه‌های صلح‌جویی
۲۲	موارد کاربرد حلقه‌های صلح‌جویی
۲۳	۳. یک داستان حلقه: پیدا کردن راهی برای پیشروی پس از یک اعتصاب کارگری
۲۷	۴. بنیان‌های حلقه‌ها
۲۷	ارزش‌ها
۲۸	آموزه‌های باستانی
۳۲	فرایند حلقه آن‌طور که در اجتماعات ایمانی به کار گرفته می‌شود

- ۳۳ ۵. یک داستان حلقه: رسیدن به درک و تفاهم در کلاس درس
- ۳۵ ۶. عناصر کلیدی حلقه
- ۳۵ عناصر ساختاری حلقه‌ها
- ۳۷ ابزار سخن‌گویی
- ۴۰ اهمیت داستان‌گویی
- ۴۲ تمرکز بر روابط
- ۴۵ مراحل فرایندهای حلقه
- ۴۸ ۷. یک داستان حلقه: درمان آثار یک جرم‌خشن
- ۵۰ ۸. سازمان‌دهی یک حلقه سخن‌گویی
- ۵۱ مرحله یک: تشخیص تناسب
- ۵۱ مرحله دو: آماده‌سازی
- ۵۳ مرحله ۳: تشکیل حلقه
- ۵۵ مرحله ۴: پیگیری
- ۵۶ ۹. یک داستان حلقه: دستیابی به احترام بین نسل‌های مختلف
- ۵۹ ۱۰. حلقه‌ها در چشم‌انداز
- ۵۹ تاثیر در اجتماع‌سازی
- ۶۰ حلقه‌ها چه تفاوتی با فرایندهای مشابه دارند؟
- ۶۲ چالش‌ها
- ۶۵ ۱۱. یک داستان حلقه: یافتن ارتباط در درون خانواده
- ۶۷ ۱۲. نتیجه
- ۷۰ پیوست ۱: فرایند حلقه در مدارس
- ۷۴ مطالعات پیشنهادی
- ۷۶ درباره نویسنده

۱. مقدمه

«ما همگی عشق می‌ورزیم و نابود می‌کنیم. ما همگی می‌ترسیم و در عین حال به‌شدت میل به اعتماد کردن داریم. این بخشی از تقلای ما است. ما باید تلاش کنیم تا زیباترین‌ها در ما تجلی پیدا کنند و قدرت تاریکی و خشونت را از خود دور کنیم. من دارم یاد می‌گیرم که بگویم: “این ضعف و شکنندگی من است. من باید دربارهاش بیاموزم و از آن به صورت سازنده‌ای استفاده کنم.”»

— ژان وایر^۱

چیزهای قدیمی نوسازی می‌شوند

اجداد ما به دور آتش حلقه زدند. خانواده‌ها به دور میز در آشپزخانه حلقه می‌زدند. اکنون، ما داریم یاد می‌گیریم که به عنوان یک اجتماع دور هم جمع شویم و مشکلات خود را حل کنیم، از یکدیگر حمایت کنیم و با هم ارتباط برقرار کنیم. در اجتماعات مدرن غربی، یک روش جدید برای نزدیک کردن افراد به یکدیگر و درک

۱. از «غذای روح»، «سرچشمه» شماره ۷ (مارس ۲۰۰۲)، این خبرنامه آنلاین شورای کلیسا درباره عدالت و مددکاری در اتاوی کانادا است. نگاه کنید به: www.ccjc.ca.

متقابل، تقویت روابط و حل مشکلات اجتماع در حال شکوفایی است. اما این روش جدید در حقیقت بسیار قدیمی است. ریشه آن در سنت باستانی سکنه بومی آمریکا است که از یک ابزار سخن‌گویی استفاده می‌کردند؛ یعنی چیزی که از شخصی به شخص دیگری در گروه منتقل می‌شود و تنها به او اجازه صحبت می‌دهد. این روش، آن سنت باستانی را با مفاهیم معاصر دموکراسی و رواداری در یک جامعه چندفرهنگی و پیچیده تلفیق می‌کند.

حلقه‌های صلح‌جویی در بسترهای گوناگونی

❖ ————— ❖

حلقه‌ها در
محل‌ها، مدارس،
محل‌های کار،
خدمات اجتماعی،
نظام‌های قضایی
به کار گرفته
شده‌اند.

❖ ————— ❖

مورد استفاده قرار می‌گیرند. در محله‌ها، این حلقه‌ها از افرادی که قربانی جرمی شده‌اند حمایت می‌کنند و در تعیین مجازات افرادی که جرم را مرتکب شده‌اند کمک می‌رسانند. در مدارس، آن‌ها فضایی مثبت در کلاس درس به وجود می‌آورند و مشکلات رفتاری را حل می‌کنند. در محل کار، آن‌ها به حل اختلافات کمک می‌کنند و در خدمات اجتماعی، برای افرادی که برای سروسامان گرفتن تقلا می‌کنند سیستم‌های حمایتی طبیعی‌تری به وجود می‌آورند.

فرایند حلقه یک فرایند قصه‌گویی است. هر شخصی داستانی دارد و هر داستانی در خود درسی برای ارائه دارد. در حلقه، افراد با تعریف داستان‌هایی که برایشان پرمعنی است زندگی یکدیگر را لمس می‌کنند. همان‌طور که این سه نمونه در ادامه نشان می‌دهند، داستان‌ها افراد را حول انسانیت مشترکشان متحد و به آنان در درک عمق و زیبایی تجربه انسانی کمک می‌کنند.

* * *

یک کلاس اولی در حیاط مدرسه نفس‌زنان به سوی ناظم می‌دود و می‌گوید: «خانم تیکیو! خانم تیکیو! من به یک ابزار سخن‌گویی احتیاج دارم!» خانم تیکیو دست در جیبش می‌کند و یک دایناسور کوچک پلاستیکی بیرون می‌آورد و آن را به کودک می‌دهد. او دایناسور را محکم در مشتش می‌گیرد و دوان‌دوان به سمت چند دانش‌آموز دیگر می‌دود که دقایقی قبل با آن‌ها مشغول بحث بود. با کمک ابزار سخن‌گویی، آن‌ها درباره اختلاف نظرشان بحث

می‌کنند و راه‌حلی پیدا می‌کنند که همه با آن موافق هستند.

* * *

قانون‌گذاران، تحلیل‌گران سیاست ایالتی، مدیران نهاد دولتی و مددکاران دور یک میز با نوجوانانی خلافکار نشست‌اند تا درباره دیدگاه دولت در زمینه نوجوانان خلافکار در ایالت مینه‌سوتا بحث کنند. یک ابزار سخن‌گویی دور میز دست به دست می‌شود، هر فرد فرصت برابری دارد تا دیدگاه خود را تشریح کند و دیدگاه دیگران را بشنود. همه با دقت به هر سخنران گوش می‌دهند. پس از گفت‌و شنود اندیشمندانه، هر میز درباره موضوعی که به آنان محول شده بود به اجماع می‌رسد.

* * *

در یک محله در مرکز شهر، یک نوجوان و مادرش در حلقه‌ای با حدود دوازده سکنه‌ی محله و متخصصان دستگاه قضایی از جمله یک دادستان و یک وکیل مدافع عمومی نشست‌اند. این گروه برمی‌خیزند و دست به دست هم می‌دهند و از این فرصت پیش‌آمده که به عنوان اجتماع گرد هم جمع شده‌اند تا از این نوجوان و خانواده‌اش پشتیبانی کنند ابراز قدردانی می‌کنند. یک ابزار سخن‌گویی دست به دست می‌گردد و معرفی‌ها انجام می‌شود. همه افراد درون حلقه به نوجوان و مادرش خوش‌آمد می‌گویند.

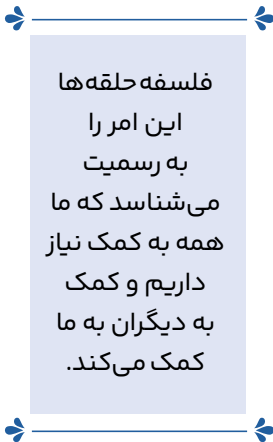
وقتی ابزار سخن‌گویی برای دور دوم دست به دست می‌شود، اعضای حلقه از نوجوان درباره وضعیتش در مدرسه، رفتارش در منزل و علایقش می‌پرسند. دو عضو حلقه از مدرسه او بازدید کرده‌اند و پیشنهاد می‌کنند تا در درس‌های مدرسه‌اش به او کمک کنند. مادر نوجوان ابراز نگرانی می‌کند که پسرش بدون اجازه او از خانه خارج می‌شود. او از نگرانی‌هایش برای پسرش وقتی پس از تاریکی هوا در خیابان است صحبت می‌کند. با دست‌به‌دست‌شدن ابزار سخن‌گویی، اعضای حلقه از ترس‌ها و نگرانی‌های خود در دوران نوجوانی سخن می‌گویند. در گفت‌وگو با نوجوان، آنان ابراز نگرانی و توجه می‌کنند اما در عین حال انتظارات خود درباره حضور در مدرسه، تکالیف منزل و اجازه گرفتن از مادر پیش از خروج از خانه را مطرح می‌کنند.

نوجوان و مادرش هر دو به گرمی از این میزان توجه و حمایت از سوی حلقه استقبال می‌کنند. هر دو به کمک از ابزار سخن‌گویی بهتر به سخنان هم گوش می‌دهند و با درک بهتری از نگرانی‌ها و ناراحتی‌های یکدیگر حلقه را ترک می‌کنند.

نوجوان قول می‌دهد که به توافقشان وفادار باشد و گروه برای جلسه‌ای دیگر در حلقه برای بررسی پیشرفت او برنامه‌ریزی می‌کند. در پایان اعضای گروه دوباره می‌ایستند و دست به دست هم می‌دهند تا یک بار دیگر کارهای مهمی که انجام‌شده را به رسمیت بشناسند.

* * *

حلقه‌های صلح‌جویی که بالاتر توصیف شدند افراد را به عنوان اعضای برابر دور هم جمع می‌کنند تا در فضایی محترمانه که در آن همگی مورد توجه هستند، به گفت‌وگویی صادقانه درباره مشکلات دشوار و تجربیات دردناک بپردازند. حلقه‌های صلح‌جویی در بسترهای گوناگون فضایی را فراهم می‌کنند که در آن‌ها افرادی با دیدگاه‌های بسیار متفاوت می‌توانند دور هم جمع شوند و داوطلبانه درباره تضادها، دردها و خشم صحبت کنند و پس از این گفت‌وگوها احساس بهتری درباره خود و دیگران پیدا کنند.



فلسفه بنیادین حلقه‌ها به رسمیت‌شناختن این امر است که ما همه به کمک نیاز داریم و با کمک به دیگران ما همزمان به خود نیز کمک می‌کنیم. افرادی که در حلقه مشارکت می‌کنند از خرد جمعی تمامی افراد درون حلقه بهره‌مند می‌شوند. مشارکت‌کنندگان به دو گروه «مشاوره‌دهنده و مشاوره‌گیرنده» تقسیم نمی‌شوند؛ تمامی افراد هم مشاوره می‌دهند و هم مشاوره دریافت می‌کنند. حلقه از تجربه زندگی و خرد تمامی مشارکت‌کنندگان استفاده می‌کند تا درک جدیدی از مشکل و امکانات جدیدی برای حل آن ارائه کند.

حلقه‌های صلح‌جویی، خرد باستانی اجتماع و ارزش‌های معاصر احترام‌گذاشتن به استعدادها، نیازها و تفاوت‌های فردی را در فرایندی با هم ترکیب می‌کند که:

- به حضور و شرافت تک‌تک مشارکت‌کنندگان احترام می‌گذارد
- برای نظرات و مشاوره تمامی مشارکت‌کنندگان ارزش قائل است
- بر ارتباط همه امور با یکدیگر تاکید می‌کند
- از ابراز احساسات و معنویات حمایت می‌کند

- صدایی برابر به همه می‌دهد.

درباره این کتاب

این کتاب نگاهی کلی به حلقه‌های صلح‌جویی است و برای آشنا کردن خواننده با ماهیت کلی و ذات این فرایند، فلسفه بنیادین آن و راه‌های استفاده از فرایند حلقه صلح‌جویی طراحی شده است. در این کتاب جزئیات فرایند و نحوه مدیریت حلقه ذکر نشده است. این کتاب نحوه به‌راه‌انداختن یک حلقه سخن‌گویی ساده را توضیح خواهد داد، اما این برای هدایت حلقه‌های پیچیده‌تر کافی نخواهد بود. مدیریت یک حلقه فراتر از قراردادن چند صندلی به صورت دایره‌ای است. پیش از تلاش برای هدایت یک حلقه که به اموری چون تضاد، احساسات قوی یا قربانی بودن می‌پردازد، آموزش دیدن در مدیریت حلقه را پیشنهاد می‌کنیم.^۱

بستر تاریخی

حلقه‌های صلح‌جویی مستقیماً از سنت حلقه گفت‌وگو ریشه گرفته‌اند که در میان بومیان شمال آمریکا امری متداول بود. حلقه‌زدن به دور هم برای گفت‌وگو درباره موضوعات مهم اجتماع احتمالاً بخشی از ریشه‌های قبیله‌ای اکثریت انسان‌ها است. چنین فرایندهایی هنوز در میان بومیان سراسر دنیا یافت می‌شوند و ما عمیقاً مدیون آنانی هستیم که این مراسم را به عنوان منبع خرد و الهام برای فرهنگ‌های غربی زنده نگاه داشته‌اند.

در جوامع معاصر و اکثراً در خارج از سپهر آگاهی عمومی، حلقه‌ها در گروه‌های کوچک و توسط افراد غیربومی بیش از ۳۰ سال است که مورد استفاده بوده‌اند. به‌ویژه گروه‌های زنان به طور گسترده‌ای از فرایند رسمی حلقه استفاده کرده‌اند. این حلقه‌ها ابتدا در بستر مطرح کردن سرگذشت فردی با یک اجتماع پشتیبان به وجود آمدند. برخی افراد تجربه خود با حلقه‌های فردی را به محیط عمومی برده‌اند، اما تلاش ساختاری برای استفاده از حلقه‌ها در فرایندهای فضای عمومی، مانند سیستم قضایی، امری نسبتاً جدید است که مدیون تلاش‌های انجام‌شده در یوکان کانادا در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی است.

1. For more information about Circles, see Pranis, Stuart, and Wedge.

نمایی کلی از حلقه‌ها

یک حلقه صلح‌جویی روشی برای گرد هم جمع کردن مردم است که در آن:

- همه مورد احترام هستند
- همه فرصت صحبت بدون مزاحمت و بریده شدن کلام را دارند
- مشارکت‌کنندگان از طریق تعریف کردن داستان‌هایشان خود را توصیف می‌کنند
- همه برابر هستند، هیچ کس مهم‌تر از دیگران نیست
- وجوه معنوی و احساسی تجربه افراد نیز پذیرفته می‌شود.

حلقه‌های صلح‌جویی وقتی مفید هستند که دویا چند نفر:

- نیاز به تصمیم‌گیری درباره یک امر مشترک دارند
- با هم اختلاف نظر دارند
- نیاز به بحث درباره تجربه‌ای دارند که به آسیب دیدن یک شخص منجر شده است
- می‌خواهند به عنوان یک تیم با هم کار کنند
- می‌خواهند جشن بگیرند
- می‌خواهند دشواری‌هایشان را مطرح کنند
- می‌خواهند از یکدیگر چیز یاد بگیرند.

حلقه صلح‌جویی ظرفی محکم است که می‌تواند تمام این‌ها را در خود نگاه دارد:

- خشم
- سرخوردگی
- شادی
- رنج
- حقیقت
- تضاد
- جهان‌بینی‌های متنوع
- احساسات شدید
- سکوت
- پارادوکس.

این کتاب درباره کار با حلقه در محیط عمومی است، یعنی حلقه‌هایی که بیش‌تر برای اجتماع‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا پیشرفت‌های شخصی، هرچند که تمام حلقه‌های موثر در نهایت باید در سطح فردی افراد را درگیر کنند، افراد را در موقعیت‌های شخصی و عمیق قرار دهند و در نتیجه به پرورش و پیشرفت شخصی کمک کنند. در ایالات متحده، حلقه‌های صلح‌جویی تحت فلسفه عدالت‌بازسازنده معرفی شدند، که تلاش می‌کند تمامی افرادی که از یک جرم آسیب دیده‌اند را در فرایند درک آسیب جرم و ایجاد راهکاری برای ترمیم آسیب‌های آن جرم داخل کند.^۱

فرایند حلقه صلح‌جویی در ایالات متحده در سیستم قضایی ایالت مینه‌سوتا آغاز شد. حلقه‌های صلح‌جویی راهی ارائه کردند تا آنان که از جرم آسیب دیده بودند، آنان که جرم را مرتکب شده بودند و اجتماع را به فرایند وارد کند تا در همکاری با سیستم قضایی، مفیدترین پاسخ به جرم را که در جهت امنیت و درمان همه حرکت می‌کند پیدا کنند. اهداف حلقه شامل گسترش حمایت برای افراد آسیب‌دیده از جرم، تصمیم‌گیری درباره حکم مجرم و حمایت از آنان در ادای وظیفه خود نسبت به حکم و تقویت اجتماع برای جلوگیری از جرم است.

فرایندهای حلقه
در اکثر سنت‌ها
ریشه دارند.

اجتماعات حاشیه، مرکز، و اطراف شهری از این فرایند در موارد جرایم بزرگسالان و نوجوانان، هر دو، استفاده می‌کنند. حلقه‌های صلح‌جویی در طیف وسیعی از اجتماعات فرهنگی از جمله آفریقایی-آمریکایی، اروپایی-آمریکایی، لاتین، کامبوجی و بومی آمریکا فعال هستند.

اگرچه حلقه‌ها در بستر فرایند صدور حکم

آغاز به کار کردند، مددکاران به مرور برای این روش کارکردهای دیگری در سیستم قضایی یافتند. نوآوران حرفه‌ای برای تسهیل ورود مجدد زندانیان سابق به اجتماع و نظارت اجتماعی موثرتر بر افرادی که حکم‌های تعلیقی داشتند، شروع به استفاده از حلقه‌ها کردند. حلقه‌ها در مینه‌سوتا به عنوان بخشی از فرایند عدالت قضایی آغاز به کار کردند

۱. برای نگاهی کلی به «عدالت ترمیمی»، به هاوارد زهر (Howard Zehr) رجوع کنید.
[ترجمه فارسی این اثر در آموزش‌شده توانا در دسترس است: کتابچه عدالت ترمیمی، اثر هاوارد زهر.]

اما خیلی زود در امور دیگر به کار گرفته شدند. داوطلبان اجتماعی که در پروژه‌های حلقه‌های قضایی مشغول بودند به سرعت متوجه شدند که این فرایند در موقعیت‌ها و شرایط گوناگونی که ارتباطی با جرم ندارند نیز می‌تواند مفید باشد. پس آنان حلقه‌ها را به مدارس، محیط‌های کاری، خدمات اجتماعی، کلیساها، گروه‌های محله‌ای و خانواده‌های خود بردند.

گسترش حلقه‌های صلح‌جویی خودجوش و طبیعی بوده است و بذر آن را شوق و تعهد از نقطه‌ای به نقطه دیگر برده است و نه برنامه‌ریزی راهکاری یا سازماندهی شده.

۲. کارکرد حلقه‌ها

«ملايimt حلقه، من را تحت تاثیر قرار داد. با نرمش خاصی به هدفش می‌رسد.»

— یک مشارکت‌کننده در حلقه‌ای در مدرسه

حلقه صلح‌جویی چگونه کار می‌کند؟

حلقه‌های صلح‌جویی از ساختار خود برای ایجاد امکانات آزادی استفاده می‌کنند: آزادی بیان حقیقت‌مان، آزادی کنار گذاشتن نقاب‌ها و پرده‌ها، آزادی حضور به عنوان یک انسان، آزادی ابراز عمیق‌ترین امیالمان، آزادی به رسمیت‌شناختن اشتباهات و ترس‌ها و آزادی رفتار بر اساس ارزش‌های درونی‌مان.

مشارکت‌کنندگان در حلقه‌ای از صندلی‌ها می‌نشینند که میزی در میانشان نیست. گاه اشیائی که برای اعضای گروه معنی‌دار هستند در وسط حلقه قرار داده می‌شود تا به مشارکت‌کنندگان ارزش‌ها و دیدگاه‌های مشترکشان را یادآوری کنند. شکل فیزیکی حلقه نمادی از رهبری مشترک، برابری، ارتباط و پذیرش است. همچنین تمرکز، مسئولیت‌پذیری و مشارکت همگان را تشویق می‌کند.

با استفاده عمدی از عناصر ساختاردهنده مانند مراسم، ابزار سخن‌گویی، یک گرداننده یا نگهبان، دستورالعمل، و تصمیم‌گیری بر اساس اجماع، حلقه‌ها قصد دارند فضایی ایجاد

کنند که در آن مشارکت‌کنندگان برای اینکه خود واقعیشان را بروز دهند احساس امنیت کنند. (این عناصر که این‌جا به مختصر ذکر شده‌اند، در فصل ۶ به طور مفصل توضیح داده خواهند شد.)

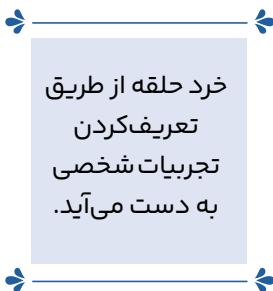
مراسم - حلقه‌ها عمداً تمامی وجوه تجربه انسانی را درگیر می‌کنند؛ معنوی، عاطفی، فیزیکی و ذهنی. حلقه‌ها از یک مراسم یا فعالیت مرکزیت‌بخش عمدی در ابتدا و پایان جلسه استفاده می‌کنند تا حلقه را به صورت مکانی مقدس مشخص کنند که در آن مشارکت‌کنندگان می‌توانند پیش خودشان و یکدیگر به شکلی حضور پیدا کنند که با یک ملاقات معمولی فرق داشته باشد.

ابزار سخن‌گویی - حلقه تنها به فردی که ابزار سخن‌گویی را در دست دارد اجازه صحبت کردن می‌دهد و از این طریق با دست‌به‌دست‌شدن ابزار از فردی به فرد دیگر، گفت‌وگو را نظم می‌دهد. فردی که ابزار را در دست می‌گیرد توجه کامل همگان را در اختیار دارد و کلامش قطع نمی‌شود. استفاده از ابزار سخن‌گویی اجازه می‌دهد تا احساسات به طور کامل ابراز شوند، افراد با عمق بیش‌تری گوش بدهند، تحلیل اندیشمندانه صورت بگیرد و روندی ایجاد شود که عجله‌ای در آن وجود ندارد. به علاوه، ابزار سخن‌گویی فضایی برای افرادی ایجاد می‌کند که سخن‌گفتن در گروه برایشان دشوار است، اما هیچ‌گاه کسی که آن را در دست دارد مجبور به سخن‌گفتن نمی‌شود.

گرداننده یا نگهبان - گرداننده حلقه صلح‌جویی، که اغلب به او نگهبان گفته می‌شود، به گروه در ایجاد و حفظ فضایی جمعی کمک می‌کند که در آن هر مشارکت‌کننده برای صحبت صادقانه و باز و بدون بی‌احترامی به دیگران احساس امنیت می‌کند. نگهبان بر کیفیت فضای جمعی نظارت می‌کند و تفکر گروه را از طریق پرسش‌ها یا پیشنهاد موضوعات بحث برمی‌انگیزد. نگهبان موضوعی که گروه مطرح کرده است را کنترل نمی‌کند یا تلاش نمی‌کند گروه را به سمت یک نتیجه مشخص هل بدهد، اما می‌تواند در مورد لحن گفت‌وگوها تصمیماتی بگیرد.

دستورالعمل‌ها - مشارکت‌کنندگان در یک حلقه از طریق ایجاد دستورالعمل‌هایی برای بحثشان، نقشی اساسی در طراحی فضای خود دارند. دستورالعمل‌ها بیانگر تعهداتی هستند که مشارکت‌کنندگان درباره چگونگی رفتارشان در طول گفت‌وگوی حلقه به یکدیگر می‌دهند. مقصود از آن‌ها توصیف رفتاری است که مشارکت‌کنندگان احساس

می‌کنند فضا را برای بیان حقیقتشان امن خواهد کرد. دستورالعمل‌ها قانون نیستند و نمی‌توان از آن‌ها برای قضاوت بر رفتار افراد استفاده کرد. آن‌ها را می‌توان یادآوری ملایمی برای مشارکت‌کنندگان در زمینه تعهد مشترکشان به ایجاد فضایی امن برای گفت‌وگوی دشوار دانست.



تصمیم‌گیری از طریق اجماع - تصمیمات

درون یک حلقه با اجماع گرفته می‌شوند. اجماع لزوماً به اشتیاق برای یک تصمیم یا برنامه نیاز ندارد، اما باید تمام مشارکت‌کنندگان با آن تصمیم موافق باشند و از اجرای آن حمایت کنند.

در یک حلقه، رابطه‌سازی و آشناسدن با یکدیگر فراتر از بستر موضوع بحث، از خود موضوع بحث مهم‌تر است. نیمی از وقت یک حلقه ممکن

است پیش از آغاز خود گفت‌وگوها، به ساختن پایه‌های یک گفت‌وگوی عمیقاً صادقانه درباره تضادها یا دشواری‌ها سپری شود. بحث درباره ارزش‌ها، ایجاد دستورالعمل و مطرح کردن جنبه‌هایی ناآشنا از خودمان همگی بخشی از ایجاد یک بنیان برای گفت‌وگویی هستند که روح مشارکت‌کنندگان و همچنین احساسات و هوش آنان را درگیر بحث می‌کند.

خرد در یک حلقه از طریق داستان‌های شخصی به دست می‌آید. در حلقه، تجربه زندگی از نصیحت‌کردن بارزتر است. مشارکت‌کنندگان تجربه خود از شادی و خشم، مبارزه و پیروزی و آسیب‌پذیری و قدرت را مطرح می‌کنند تا به درک موضوع مورد بحث کمک کنند. از آن‌جا که داستان‌گویی افراد را در چند سطح مختلف درگیر می‌کند (عاطفی، معنوی، فیزیکی، و ذهنی)، شنوندگان داستان‌ها را متفاوت از نصیحت جذب می‌کنند.

انواع حلقه‌های صلح‌جویی

همین‌طور که حلقه‌ها کارکردهای جدیدی پیدا کردند، واژگانی جدید برای هر نوع از حلقه و کارکرد آن‌ها به وجود آمد. این ادبیات هنوز در حال توسعه است و واژگان آن به طور عمومی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، اما در هر حال مفید هستند.

انواع حلقه شامل این‌ها می‌شود:

- سخن‌گویی
- درک و تفاهم
- درمان و ترمیم
- صدور حکم
- پشتیبلی
- اجتماع‌سازی
- آشتی
- پذیرش مجدد
- جشن گرفتن.

حلقه‌های سخن‌گویی - در حلقه‌های سخن‌گویی، مشارکت‌کنندگان به پژوهش در یک موضوع خاص از دیدگاه‌های بسیار متفاوت می‌پردازند. حلقه‌های سخن‌گویی برای دست‌یافتن به اجماع درباره موضوع تلاش نمی‌کنند بلکه آنها اجازه می‌دهند تا تمامی دیدگاه‌ها با احترام مطرح شوند و دیدگاه‌های متفاوتی را در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار می‌دهند تا آنان را به تفکر وادارند.

حلقه‌های تفاهم - حلقه تفاهم یک حلقه سخن‌گویی است که بر درک برخی تضادها و شرایط دشوار تمرکز دارد. هدف یک حلقه تفاهم، عموماً تصمیم‌گیری نیست، در نتیجه نیازی به اجماع ندارد. هدف آن ارائه یک تصویر کامل‌تر از بستر یا دلیل یک واقعه خاص یا رفتار است.

حلقه درمانی - هدف حلقه درمانی مطرح کردن درد یک فرد یا افرادی است که آسیب یا ازدست‌رفتن عزیزی را تجربه کرده‌اند. ممکن است یک برنامه برای حمایت فراتر از حلقه شکل بگیرد، اما ضروری نیست.

یک دانش آموز کلاس دهم برای عدم حضور در مدرسه به حلقه فرستاده شده بود. علاوه بر آن، او به خاطر سیگار کشیدن هم به دردسر افتاده بود. در جریان دومین حلقه، او داستانی گفت درباره اینکه از زمانی که در پاییز کلاس هشتم از مدرسه تا پایان سال تحصیل تعلیق شد دیگر در مدرسه احساس آرامش نداشته است.

هیچ کس در دبیرستان از آسیب روحی این تجربه بر او اطلاعی نداشت، تا زمانی که او و مادرش در این باره در حلقه صحبت کردند. او به اعضا گفت که این از کلاس هشتم تا کنون اولین باری بود که شخصی در مدرسه واقعا تلاش کرده بود بفهمد مشکل او چیست.^۱

حلقه‌های صدور حکم - حلقه صدور حکم یک فرایند مستقیم اجتماعی است که با نظام عدالت کیفری همکاری می‌کند. این حلقه تمامی افرادی را که یک جرم بر زندگی آنان تاثیر گذاشته در فرایند تصمیم‌گیری برای یک مجازات مناسب داخل می‌کند. مجازاتی که پاسخگوی نگرانی‌های تمامی مشارکت‌کنندگان باشد.

حلقه صدور حکم، شخصی را که آسیب دیده، شخص آسیب‌زننده، خانواده و دوستان هر دو، اعضای اجتماعات دیگر، نمایندگان نظام قضایی (قاضی، دادستان، وکیل مدافع، پلیس و افسر ناظر) و دیگر متخصصان منایع را گرد هم جمع می‌کند. مشارکت‌کنندگان به بحث درباره این امور می‌پردازند: ۱- چه اتفاقی افتاد، ۲- چرا این اتفاق افتاد، ۳- تاثیر آن چه بوده است، و ۴- برای ترمیم آسیب آن و جلوگیری از وقوع دوباره آن به چه نیاز داریم؟ حلقه از طریق اجماع برای فردی که مرتکب جرم شده حکم صادر می‌کند و شاید با توافق، وظایف اعضای اجتماع و مقامات قضایی را نیز مشخص کند. آماده‌سازی برای حلقه صدور حکم ممکن است شامل ایجاد حلقه درمانی برای شخص آسیب‌دیده و حلقه تفاهم برای شخصی که آسیب رسانده، پیش از گرد هم آوردن دو گروه باشد.

۱. از یک گزارش درباره رفتار مداخله‌جویانه داخل مدرسه.

حلقه‌های پشتیبانی - حلقه پشتیبانی افرادی کلیدی را گرد هم می‌آورد تا از شخصی که در حال گذر از مشکلی خاص یا تغییراتی بزرگ است حمایت کنند. حلقه‌های پشتیبانی اغلب به طور مرتب در یک دوره زمانی برگزار می‌شوند. حلقه‌های پشتیبانی ممکن است درباره برنامه‌ها یا معاهداتی اجماع کنند، اما لزوماً حلقه‌های تصمیم‌گیری نیستند.

حلقه‌های اجتماع‌سازی - هدف حلقه اجتماع‌سازی ایجاد ارتباط و ساختن روابط میان گروهی از مردم است که علایق مشترکی دارند. حلقه‌های اجتماع‌سازی کنش‌های جمعی موثر و مسئولیت‌پذیری متقابل را تشویق می‌کنند.

حلقه‌های آشتی - حلقه آشتی گروه‌های متضاد را دور هم جمع می‌کند تا مشکلات خود را حل کنند. راه‌حل از طریق توافق و اجماع پیدا می‌شود.

حلقه‌های پذیرش مجدد - حلقه‌های پذیرش مجدد، فرد و گروه یا اجتماعی را که فرد برای مدتی از آن دور بوده است به سمت آشتی و پذیرش فرد در درون گروه سوق می‌دهد. حلقه‌های پذیرش مجدد به طور مداوم توافق‌هایی اجماعی را گسترش می‌دهند. از آن‌ها برای نوجوانان و بزرگسالانی که از زندان یا ندامت‌گاه به اجتماع خود باز می‌گردند استفاده می‌شود.

حلقه‌های جشن گرفتن - حلقه‌های جشن و تکریم، گروهی از افراد را به دور هم جمع می‌کنند تا شخص و یا گروهی را به رسمیت بشناسند یا احساس شادی و یا موفقیت را با یکدیگر تقسیم کنند.

موارد کاربرد حلقه‌های صلح‌جویی

حلقه‌های صلح‌جویی برای امور زیر به کار رفته‌اند:

- پشتیبانی و حمایت از قربانیان جرم
- صدور حکم کیفری برای نوجوانان و بزرگسالان
- پذیرش مجدد زندانیان در اجتماعشان پس از خروج از زندان
- حمایت و نظارت بر مجرمان سابقه‌دار دارای حکم تعلیقی
- ارائه پشتیبانی به خانواده‌هایی که متهم به آزار و بی‌توجهی به کودک شده‌اند و در عین حال امن نگاه‌داشتن کودک
- تیم‌سازی و استخدام مددکاران جدید در نهادهای خدمات اجتماعی
- طراحی اهداف و برنامه‌های راهبردی در سازمان‌ها
- طراحی برنامه‌های جدید در یک نهاد
- برخورد با تبعیض، آزار و تضادهای بین افراد در محل کار
- رسیدگی به اختلافات محلی
- مدیریت تضادها در کلاس درس و حیاط مدرسه
- رسیدگی به نظم مدرسه
- آموزش نوشتن در یک مدارس ویژه
- ترمیم آسیب‌های وارده بر یک معلم جایگزین در یک کلاس ششم
- پردازش میزان اعتیاد مجدد در یک دبیرستان
- طراحی برنامه‌های آموزشی ویژه برای دانش‌آموزان خاص
- حل اختلافات خانوادگی
- عزاداری برای ازدست‌دادن عزیزی در یک خانواده و یا اجتماع
- رسیدگی به اختلافات در برنامه‌ریزی و محیط زیست
- تسهیل گفت‌وگو بین اجتماعات مهاجر و دولت محلی
- تسهیل گفت‌وگو بین گروه‌های بزهکار رقیب
- مدیریت بحث‌های درون کلاس‌های دانشکده
- جشن گرفتن فارغ‌التحصیلی و تولد
- بحث درباره حضور جوانان در یک پاساژ محلی.

۳. یک داستان حلقه: پیدا کردن راهی برای پیشروی پس از یک اعتصاب کارگری^۱

پس از پایان یک اعتصاب ایالتی که موجب دودستگی شدیدی شد، مدیران یک اقامت‌گاه نوجوانان پیشنهاد ایجاد یک حلقه را دادند. آنان امیدوار بودند که از این طریق موضوع مورد بحث عمومی قرار گیرد و مردم بتوانند داستان‌های خود را بیان کنند و فضایی امن برای مطرح کردن احساسات خود پیدا کنند و شنیده شوند. آنچه باید گفته شود و فرایند ترمیم و درمان نیز آغاز شود.

برنامه ما این بود که حلقه‌ای برای نیمی از روز تشکیل دهیم تا روند کار را توضیح داده و مولفه‌ها را برای آنچه می‌توان جهت کمک به شرایط انجام داد مشخص کنیم. این یک فرصت برای آغاز فرایند ترمیم و آماده کردن افراد برای حلقه دوم بود که بیش‌تر بر موضوعات عاطفی و ریشه‌های تنش تمرکز خواهد داشت.

یک هفته پس از اولین حلقه ما یک روز کامل را به حلقه دوم اختصاص دادیم تا به عمق معضلاتی که افراد با آن دست و پنجه نرم می‌کنند برسیم. ما از آغاز معترف بودیم

۱. مت جانسون (Matt Johnson) این توضیح را درباره فرایند حلقه‌ای که خود به همراه پائولا شیفر (Paula Schaefer) گرداننده آن بود نوشته است؛ این تجربه مربوط به در دوران کارش در AMICUS است که یک سازمان غیرانتفاعی بود که در مینه‌سوتا با زندانیان و افرادی که آزادی مشروط داشتند کار می‌کرد.

که این دو جلسه تنها می‌توانند شروعی برای یک فرایند طولانی باشند و نگهبانان حلقه نه متخصص بودند و نه حلال مشکل، بلکه تنها در آن‌جا حضور داشتند تا افراد را در این مسیر حمایت کنند.

حلقه اول

ما مدت زمانی طولانی را به چارچوب‌سازی برای فرایند و زمینه‌سازی برای کاری که می‌خواستیم انجام دهیم اختصاص دادیم. برای هدایت حلقه، ما دستورالعمل‌های برنامه اقامت‌گاه و ارزش‌های بنیادین را در مرکز قرار دادیم تا به مشارکت‌کنندگان تعهدشان برای کمک به کودکان را یادآوری کنیم. این امر از آن روی دارای اهمیت بود که تیم این دستورالعمل‌ها و ارزش‌های بنیادین را ایجاد و درباره آن‌ها رأی‌گیری کرد تا برای کار فرهنگی دارای وزن و اهمیت باشند. ما همچنین از همه خواستیم تا تصور کنند که حلقه بزرگ‌تری از دانش‌آموزان دور حلقه ما قرار دارد و بزرگسالان را در حال حل مشکل نظارت می‌کنند و همچنین یادآوری می‌کند که هدف واقعی از همکاری در این برنامه چیست و چه چیزی واقعا دارای اهمیت است.

ما تاکید کردیم که فرایند حلقه محلی امن برای مطرح کردن موضوعات و درمان بالقوه است و خاطرنشان کردیم که این فرایند با یک جلسه کارکنان یا شورای حل اختلاف تفاوت دارد. ما این کار را از طریق ایجاد یک «فضای مقدس» انجام دادیم که در آن افراد می‌توانستند آنچه در دل دارند را بگویند و بشنوند، حق سکوت داشتند، گفت‌وگوها محرمانه می‌ماند، و باید به ابزار سخن‌گویی احترام گذاشت؛ یعنی تنها شخصی که ابزار را در دست دارد اجازه سخن گفتن دارد.

با همکاری برای ایجاد یک حس آیینی از طریق آغاز و ختم جلسه با خواندن متن و مراقبه و مراسم دیگر ما بر اهمیت ایجاد فضایی مناسب برای چنین کاری تاکید کردیم. ما همچنین تاکید کردیم که گروه به همان اندازه مسئول تسهیل جلسه است که ما به عنوان نگهبانان حلقه مسئول آن هستیم. ما باور داشتیم که اگر وقت و انرژی قابل توجهی را صرف معرفی فرایند و تعیین لحن آن نکنیم خواهیم توانست تا محیطی را پرورش دهیم که در آن افراد فرصت کافی برای احساس آرامش و صداقت با خود و یکدیگر را خواهند داشت.

چند دور اولی که ابزار سخن‌گویی دست به دست شد به معرفی‌ها، سوالاتی ساده برای ایجاد آرامش در گروه و ساختن نقاط مشترک کلی میان مشارکت‌کنندگان اختصاص یافت. دور بعدی از اعضای حلقه خواسته شد تا آنچه که برای احساس امنیت در این فرایند نیاز دارند را مطرح کنند. این سوال از این جهت اهمیت داشت که افراد را مجبور به تفکر در این باره می‌کرد که برای احساس امنیت به چه چیزی نیاز دارند و همچنین باقی اعضای حلقه از این موضوع آگاه شوند که رفتارشان چگونه می‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد.

دور بعدی شامل فعالیت‌هایی بود که در آن از اعضای حلقه خواسته شد تا روی کاغذی بنویسند که این اعتصاب چه تأثیری بر شخص آنان داشته است. از افراد خواسته شد تا بنویسند که آیا معتقدند در طول دوران اعتصاب از سوی کسی آسیب دیده‌اند و آیا دانسته به کسی آسیب وارد کرده‌اند. پس از اینکه نوشتنشان به پایان رسید؛ از آنها خواسته شد تا کاغذهایشان را تا زمانی که دوباره یکدیگر را ملاقات کنیم در جایی امن بگذارند و اگر تصمیم به چنین کاری گرفتند، فرصت این را خواهند داشت که تفکراتشان را با حلقه مطرح کنند.

این تمرین برای این طراحی شده بود که مشارکت‌کنندگان رفتار خود را بررسی کنند و همچنین تأثیراتی را که اعتصاب بر خود، خانواده و روابط کاریشان گذاشته بود بازبینی کنند. ما حلقه اول را با این درخواست از مشارکت‌کنندگان به پایان بردیم که امیدهای خود را برای برنامه اقامت‌گاه و برای خودشان در سه ماه آینده مطرح کنند.

علی‌رغم تنش واضحی که میان مشارکت‌کنندگان وجود داشت، فضای اولین حلقه در مجموع مثبت بود. واضح بود که افراد می‌خواستند کارهای مثبت خود با کودکان را ادامه دهند و به آن بیش از هر چیز اهمیت می‌دادند. با این وجود به دلایل ریشه‌داری چون نظر افراد نسبت به اتحادیه‌های کارگری، واکنش فردی به استرس و سطح کنونی خشم، دیدگاه‌های متضادی درباره چگونگی پیشروی پس از اعتصاب وجود داشت. به نظر می‌رسید که برخی افراد آماده مطرح کردن موضوعات دشوار بودند، در حالی که بقیه نگران بودند که در طی فرایند حلقه چه اتفاقی خواهد افتاد.

برخی مشارکت‌کنندگان از اینکه این حلقه برای رسیدگی به معضلات شکل گرفته بود قدردان بودند، و بقیه به این فرایند اعتقادی نداشتند و آن را بر زبان می‌آوردند که از نظر آنان این کار وقت تلف کردن است. علی‌رغم تنوع انتظارات نسبت به این فرایند ما معتقد

بودیم که زمینه را برای حلقه بعدی فراهم کرده‌ایم.

حلقه دوم

پس از آغاز حلقه با خواندن یک متن، ما به بررسی آنچه در جلسه دیروز انجام داده بودیم پرداختیم. ما بر دستورالعمل‌های برنامه و ارزش‌های بنیادین آن که در مرکز حلقه قرار داده شده بودند تاکید کردیم. ما مجدداً از اعضای گروه خواستیم تا حلقه بزرگ‌تری دور حلقه ما تصور کنند تا بتوانند تمرکز گروه را بر تصویر بزرگ‌تر حفظ کنند.

اولین دور گردش ابزار سخن‌گویی شامل پرسش از مشارکت‌کنندگان درباره وضعیت کلی زندگی‌شان بود و اینکه درباره بازگشتن به حلقه چه احساسی دارند. تمرکز دور بعدی بر بازبینی پراسترس‌ترین امور برای افراد و خانواده‌هایشان در جریان اعتصاب بود. هر دو دور مدت زیادی طول کشیدند. زیرا هر عضو گروه با شیوایی درباره تجربه استرس خود در جریان اعتصاب و همچنین استرس باقیمانده ناشی از نتایج اعمالی که در جریان اعتصاب صورت گرفت صحبت کردند.

دور بعدی به مشارکت‌کنندگان فرصت داد تا متن‌های خود درباره تأثیرات فردی را که هفته گذشته نوشته بودند مطرح کنند. این دور برای بسیاری از اعضا احساس‌برانگیز بود. آنان جزئیات تأثیر اعتصاب و نحوه آسیب‌دیدنشان و اینکه چطور از طریق رفتارشان به دیگران آسیب رسانده‌اند را از دید خود مطرح کردند.

در پایان دور بعدی ما از حلقه خواستیم تا بگویند برای «عبور» از این شرایط به چه چیز نیاز دارند. آنان امور مختلفی را ذکر کردند؛ از جمله زمان، صبر، درک، بخشش و از آن‌جا که بسیاری از افراد در دور قبل عذرخواهی کرده بودند ما از اعضا خواستیم تا طی این دور عذرخواهی کنند یا برای رسیدگی به آسیب‌ها برنامه‌ریزی کنند.

پس از اینکه آنان به شیوایی آنچه برای درمان نیاز داشتند را مطرح کردند، ما از مشارکت‌کنندگان حلقه خواستیم تا تعهد بدهند برای کمک به پیش‌برد این برنامه و کارکرد امن و سالم آن چه خواهند کرد. مجدداً بسیاری از افراد نگاه مثبت و امیدواری داشتند و تعهدات مهمی برای کمک به برنامه و حفظ کیفیت بالای اقامت‌گاه برای نوجوان دادند.

۴. بنیان‌های حلقه‌ها

«در تک‌تک ما میلی عمیق به ارتباطی خوب با دیگران وجود دارد.»
— قاضی بری استوارت، یوکان، کانادا

ارزش‌ها

حلقه‌های صلح‌جویی فرایندهایی بی‌طرف و عاری از ارزش نیستند. بلکه آن‌ها آگاهانه بر بنیان ارزش‌های مشترک بنا شده‌اند. حلقه‌ها دارای مجموعه‌ای از ارزش‌های ازپیش‌تعیین‌شده نیستند، اما چارچوب ارزش‌ها در همه حلقه‌ها یکی است.

حلقه‌ها تجسم آرزوی جهانی انسان‌ها برای ایجاد ارتباطی خوب با یکدیگر هستند. ارزش‌های حلقه از انگیزه‌های اساسی انسان سرچشمه می‌گیرد. در نتیجه ارزش‌هایی که ارتباط خوب با دیگران را تشویق می‌کنند از بنیان‌های حلقه هستند. تنها یک راه «صحیح» برای بیان آن ارزش‌ها وجود ندارد، و به تجربه من حتی اگر آن ارزش‌ها در گروه‌های مختلف مشابه باشند نمی‌توانیم آن‌ها را مورد توجه قرار ندهیم. حلقه‌های صلح‌جویی عمداً و به‌وضوح پیش از ورود به گفت‌وگو درباره معضلات این ارزش‌ها را شناسایی می‌کنند. از آن‌جا که حلقه از تمام مشارکت‌کنندگان می‌خواهد که در درون حلقه در حد توان خود آن ارزش‌ها را رعایت کنند، مشارکت‌کنندگان حلقه باید واقعاً خواستار آن ارزش‌ها باشند. «حلقه‌های صلح‌جویی: از جرم تا اجتماع» این ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های بنیادین

حلقه‌ها ایجاد
ارتباط خوب با
دیگران را آرزوی
جهانی انسان‌ها
می‌دانند.

حلقه‌ها پیشنهاد می‌کند: احترام، صداقت، فروتنی، ابراز در جمع، شجاعت، پذیرندگی، همدردی، اعتماد، بخشش، و عشق.^۱ «حلقه‌های اجتماعی واشنگتن» در مینه‌سوتا این ارزش‌ها را برای حلقه‌ها اساسی دانسته است: احترام، فروتنی، شفقت، معنویت و صداقت. بسیاری از مردم معتقدند جوانانی که به دردسر می‌افتند به این ارزش‌ها احترام نمی‌گذارند. اما گروهی از نوجوانان

زندانی در یک ندامت‌گاه فهرستی برای حلقه خود ایجاد کردند که شامل احترام، ذهن باز، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، صداقت و شنیدن نقطه نظرات یکدیگر است.

این مثال‌ها هم نشان‌دهنده چارچوب ارزش‌های مشترک هستند (ارزش‌هایی که یک رابطه خوب با دیگران را تشویق و تقویت می‌کنند) و همچنین نشانگر روش‌های گوناگونی هستند که از طریق آن‌ها گروه‌ها آنچه رفتارشان را هدایت می‌کند توصیف می‌کنند. وقتی مشارکت‌کنندگان آگاهانه ارزش‌هایی را که می‌خواهند هدایت‌گر ارتباطشان با یکدیگر باشند انتخاب می‌کنند، در وفاداری به آن ارزش‌ها جدیت بیشتری به خرج می‌دهند. یک مشارکت‌کننده در یک حلقه پر از درد و رنج از «کنترل فردی» به عنوان ارزشی نام برد که می‌خواست در حلقه قرار داده شود. بعدتر او در حلقه ابراز کرد: «من خوشحالم که کنترل فردی را در حلقه قرار دادم، زیرا در غیر این صورت اکنون از آن استفاده نمی‌کردم.»

آموزه‌های باستانی

علاوه بر ارزش‌هایی که به «ایده‌آل انسان‌ها» نسبت داده می‌شوند، بنیان فرایند حلقه شامل چند تصور درباره ماهیت جهان است. این تصورات در جهان‌بینی بسیاری از فرهنگ‌های بومی مشترک هستند و اغلب با تصویر حلقه رابطه‌ای استعاری دارند. این تصورات از طریق آموزه‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های بنیادین فرایند حلقه این باور است که همه چیز در جهان

1. See Pranis, Stuart, and Wedge.

ما به همان اندازه
به کسی که حلقه
برایش تشکیل
شده احتیاج
داریم که او به ما
نیاز دارد.

به هم مرتبط است. این آموزه‌ها به ما می‌گویند که هر کنشی بر همه چیز در جهان تاثیر می‌گذارد، و جداکردن یک کنش از تاثیرات آن بر همه چیز دیگر غیرممکن است. در این جهان‌بینی چیزی به نام ناظر یا دیدگاه بی‌طرف وجود ندارد. همه چیز به هم مرتبط است.

یک نتیجه این تصور این درک است که ما نمی‌توانیم از شر مشکلاتمان «خلاص» شویم. یک آموزگار وقتی صحبت‌های یک گروه در مورد

عدالت بازسازنده را شنید گفت: «اوه، فهمیدم. همان‌طور که سی سال پیش وقتی ما یک بطری را از پنجره به بیرون پرت می‌کردیم، فکر می‌کردیم که آن را «دور» انداخته‌ایم. ولی بعد جنبش محیط زیست به ما یاد داد که «دور» وجود ندارد. این همان است ولی برای انسان‌ها.»

وقتی ما دچار این توهم هستیم که می‌توانیم چیزی را دور بیندازیم، آن چیز ممکن است بازگردد و ما را به نحوری مسموم کند که متوجه نمی‌شویم. زیرا ما تصور می‌کردیم که آن چیز از میان رفته است. حلقه‌ها در مرکزشان دارای این درک هستند که رفتار ما بر دیگران تاثیر می‌گذارد و سرنوشت ما با یکدیگر گره خورده است. آسیب به یک نفر یعنی آسیب به همگی. خیر برای یک نفر یعنی خیر همگان.

نتیجه دیگر این آموزش درباره ارتباط، این تصور است که ما به یکدیگر وابسته هستیم و ما به روش‌هایی اساسی به یکدیگر نیاز داریم. یک عضو اجتماع در حلقه‌ای که برای یک مجرم تشکیل شده بود اظهار داشت: «برای نگهداشتن آنچه دارم باید آن را از دست بدهم. من نیاز دارم که در حلقه باشم. وقتی تنها هستم اوضاع خوب پیش نمی‌رود. افراد دور هم جمع می‌شوند و به هم کمک و با هم همکاری می‌کنند. باید بدهی تا نگرش داری. کارها این طوری پیش می‌رود.»

تصور حلقه این است که ما به شخصی که حلقه برای او تشکیل شده است به همان اندازه نیاز داریم که او به ما. از آن‌جا که ما همه با هم مرتبط هستیم و به یکدیگر وابسته‌ایم، تک‌تک ما برای کل ارزشمند است. در نتیجه حلقه بر این باور عمل می‌کند که

هر فرد ارزش و کرامتی ذاتی دارد. همه ما به میزان برابر لایق احترام و فرصتی برای بیان دیدگاه‌هایمان هستیم.

این باور که همه چیز به هم مرتبط است و هیچ ناظر بی‌طرفی وجود ندارد، و اینکه ما عمیقاً به یکدیگر وابسته هستیم، اکنون به‌شدت از سوی فیزیک کوآنتوم پشتیبانی می‌شود. مارگارات جی. ویتلی در کتابش «رهبری و علم جدید» توضیح می‌دهد که چگونه گذار از درک نیوتونی جهان به درک کوآنتومی تنها اکنون و یک قرن پس از اکتشافات کلیدی است که در حال ورود به تفکر درباره روابط انسانی و سازمان‌دهی جوامع غربی است.^۱

او می‌نویسد:

«هر کدام از ما در سازمان‌هایی که بر اساس تصویر نیوتونی از جهان طراحی شده‌اند کار و زندگی می‌کنیم ... چیزها را می‌توان از هم جدا کرد، کالبدشکافی کرد و دوباره آن‌ها را روی هم سوار کرد، بدون اینکه چیز قابل توجهی را از دست بدهیم. فرض بر این است که با درک نحوه عملکرد هر جزء می‌توان کل را درک کرد. الگوی نیوتنی جهان با مادی‌گرایی و اختصار توصیف می‌شود، یعنی تمرکز بر چیزها به جای روابط.»^۲

در مقابل، ویتلی دیدگاه کوآنتومی را توضیح می‌دهد:

«نگاه مکانیک کوآنتومی به واقعیت بر خلاف اکثر تصورات ما از واقعیت است ... دنیایی است که در آن "رابطه" تعیین‌کننده اصلی آنچه که مشاهده می‌شود است ... ذرات تنها در رابطه با چیزهای دیگر است که وارد هستی می‌شوند و مورد مشاهده قرار می‌گیرند. آن‌ها به صورت "چیزهای" مستقل وجود ندارند ... این ارتباطات نادیده میان چیزهایی که ما پیش از این آن‌ها را مجزا می‌دانستیم در واقع عناصر بنیادین تمام خلقت هستند.»^۳

1. (San Francisco: Berrett-Koehler Publishers, 1992.)

2. Ibid., pp. 6, 8-9.

3. Ibid., pp. 9-10.



شاید این سطح از ارتباط همگانی برای فرهنگ‌های غربی امر آشنایی نباشد، اما برای بسیاری از فرهنگ‌های بومی امر آشنایی است. در نتیجه خرد باستانی و علم مدرن، که از دو جهت متفاوت آگاهی و فرهنگ‌های بسیار متفاوت سرچشمه می‌گیرند، در این نقطه به یک نتیجه می‌رسند. اگرچه فیزیک مدرن و متافیزیک باستانی به یک نتیجه می‌رسند، این باور در بنیان‌های بسیاری از ساختارهای اجتماعی غربی که بر مبنای الگوی نیوتنی واقعیت بی‌طرفانه و اجزای قابل تفکیک بنا شده‌اند قرار ندارد.

یکی دیگر از آموزه‌های باستانی بنیادین حلقه‌ها این است که تجربه انسانی وجوه ذهنی، فیزیکی، عاطفی، و معنوی دارد. تمامی این وجوه تجربه انسانی دارای اهمیتی برابر هستند و به زندگی جمعی ما هدایایی حیاتی ارائه می‌کنند. توازن میان این وجوه برای سلامت فرد و اجتماع دارای اهمیت است. در نتیجه، حلقه‌ها عمداً فضایی ایجاد می‌کنند که در آن این وجوه تجربه بشری به رسمیت شناخته و مورد استقبال قرار می‌گیرند.

ابراز عواطف و معنویاتی که دیدگاه شخصی سخن‌گو را منعکس می‌کنند اما تصور نمی‌شود که دیدگاه عمومی هستند، در حلقه دارای جایگاهی ویژه است. حلقه‌ها بر این فرض هستند که تضادها و دشواری‌ها محتوایی عاطفی و معنوی برای مشارکت‌کنندگان

دارند و راه حال موثر نیازمند بررسی محتوای عاطفی و معنوی و همچنین محتوای فیزیکی و ذهنی است.

فرایند حلقه آن‌طور که در اجتماعات ایمانی به کار گرفته می‌شود

توماس پورتر جونور، مدیر اجرایی JUSTPEACE

با الهام از آثار کی پارنیس، ما در «مرکز جاست‌پیس برای مراقبه و حل اختلاف در کلیسای متحد متودیست» فرایند حلقه را برای کلیسا بسیار مفید یافته‌ایم. ما متوجه شدیم که این فرایند:

- بهترین وجوه مذهب ما را تشویق می‌کند،
- اهمیت مراسم و فضا و مکان مقدس را به رسمیت می‌شناسد،
- بر اهمیت تعهدات در روابط تأکید می‌کند،
- گوش دادن عمیق و سخن گفتن با احترام و از صمیم قلب را تشویق می‌کند،
- ما را از روش پارلمانی تصمیم‌گیری و اجماع نجات می‌دهد،
- از رهبری تعریفی بر مبنای خدمت‌گزاری و خدمت با قدرت ارائه می‌کند،
- ما را بر هدف آشتی، ترمیم روابط و اجتماع‌سازی متمرکز می‌کند.

به طور خلاصه فرایند حلقه به ما کمک کرده است تا به کلیسایی بهتر و باایمان‌تر تبدیل شویم. با گسترش پذیرش این فرایند، ما متوجه شدیم که این فرایند توانایی تحول نحوه تصمیم‌گیری ما، نحوه رفتار ما در روند شکایات و حتی نحوه تجربه مراسم مذهبی به عنوان مراسم آشتی و ترمیم روابط را دارد.

۵. یک داستان حلقه: رسیدن به درک و تفاهم در کلاس درس^۱

یک دانش‌آموز در مدرسه ابتدایی پس از زنگ تفریح تهدید کرد که مدرسه را آتش خواهد زد. این اتفاق کمی پس از تیراندازی در مدرسه‌ای در لیترتون در کلورادو اتفاق افتاد و خشم او موجب نگرانی هم‌کلاسی‌هایش شد.

معلم درخواست کرد تا یک حلقه درک و تفاهم برای دانش‌آموزان تشکیل شود، و روز بعد کل دانش‌آموزان در آن شرکت کردند. در جریان حلقه دانش‌آموزان احساسات خود را درباره اینکه آن تهدید چه تاثیری بر آنان گذاشت بیان کردند. بسیاری از دانش‌آموزان از کابووس‌هایی که به خاطر آن تهدید دیده بودند صحبت کردند. دانش‌آموزان همچنین درباره اینکه رفتار خودشان چطور بر آن دانش‌آموز تهدیدکننده تاثیر گذاشته بود به تفکر پرداختند.

در هنگام نتیجه‌گیری حلقه آن دانش‌آموز قبول کرد تا این تغییرات در رفتار خود صورت دهد: ۱- فحش ندهد و دیگران را تهدید نکند، ۲- پیش از صحبت کردن فکر کند، و ۳- هنگام عصبانیت از محل دور شود و بعدا درباره آن صحبت کند. او همچنین پذیرفت

۱. از گزارش اداره آموزش مینه‌سوتا درباره رفتار مداخله‌جویانه در مدرسه. رجوع کنید به:

که یک نامه عذرخواهی به هم کلاسیانش بنویسد.

هم کلاسی‌های او نیز پذیرفتند که این تغییرات را در رفتار خود به وجود بیاورند: ۱- با او مهربان‌تر باشند. ۲- درباره او دروغ نگویند، ۳- او را مسخره نکنند، ۴- با او هم‌بازی شوند تا دوستان بیش‌تری داشته باشد، ۵- در کلاس با او هم‌تیمی شوند، ۶- به او در دوست پیدا کردن کمک کنند، ۷- از او در هنگام نیاز دفاع کنند، ۸- او را ببخشند و به او فرصت دوباره‌ای بدهند، و ۹- پس از مدرسه با او بسکتبال بازی کنند.

یک قرارداد رفتاری پیشین، ورود آن پسر را به حیات مدرسه تا پایان سال تحصیلی ممنوع کرده بود. هم کلاسی‌های او نمی‌خواستند این اتفاق بیفتد. آن‌ها می‌خواستند فرصت دوباره‌ای به او بدهند. آن‌ها احساس می‌کردند که اگر همه به آنچه در حلقه پذیرفته بودند عمل کنند، دیگر مشکلی در حیات مدرسه به وجود نخواهد آمد. حق با آنان بود. به آن پسر فرصت دوباره‌ای داده شد تا در حیات مدرسه با هم‌کلاسی‌هایش بازی کند و او به شرایط توافق وفادار ماند.

۶. عناصر کلیدی حلقه

عناصر ساختاری حلقه‌ها

حلقه‌ها بر مبنای ارزش‌ها و آموزه‌های باستانی از پنج عنصر ساختاری کلیدی برای ایجاد فضایی امن برای برقراری رابطه‌ای خوب میان افراد حتی در شرایط تضاد، آسیب، یا دشواری استفاده می‌کنند. این عناصر شامل مراسم، دستورالعمل‌ها، ابزار سخن‌گویی، مدیریت و تسهیل امور و تصمیم‌گیری بر اساس اجماع.

مراسم

مراسم آغازین و پایانی، حلقه را به عنوان فضای مجزا مشخص می‌کند. حلقه از این رو فضایی کاملاً متمایز است که افراد را دعوت می‌کند تا ارزش تماس عمیق با دیگران را بپذیرند و افراد را تشویق می‌کند تا نقاب‌ها و سپرهای عادی را که ایجاد فاصله می‌کنند کنار بگذارند.

مراسم آغازین به مشارکت‌کنندگان کمک می‌کند تا از فضای زندگی عادی خارج شده و به روند و فضای حلقه عادت کنند. همچنین این مراسم به مشارکت‌کنندگان کمک می‌کند تا مرکز ثقل خود را پیدا کنند، ارزش‌های اساسی خود را به خاطر بیاورند، انرژی منفی ناشی از استرس‌های نامربوط را کنار بگذارند، حس خوش‌بینی را تقویت می‌کند، و به حضور همه در آن فضا احترام می‌گذارند.

مراسم پایانی، تلاش‌های حلقه را به رسمیت می‌شناسد، درهم‌پیوستگی تمام مشارکت‌کنندگان را تایید می‌کند، احساس امید نسبت به آینده را منتقل می‌کند و مشارکت‌کنندگان را برای بازگشت به زندگی عادی خود آماده می‌کند. مراسم آغازین و پایانی به تناسب با طبع گروه مشارکت‌کننده طراحی می‌شوند و برای پذیرش فرهنگی فرصت ایجاد می‌کنند.

دستورالعمل‌ها

دستورالعمل‌های حلقه تعهداتی است که مشارکت‌کنندگان درباره نحوه رفتارشان در حلقه به یکدیگر می‌دهند. هدف دستورالعمل‌ها ایجاد انتظارات واضح برای مشارکت‌کنندگان است که چگونه می‌توانند این فضا را برای صحبت صادقانه و تماس خوب با دیگران امن

کنند. دستورالعمل‌ها برای پاسخ‌گویی به نیازهای خاص هر حلقه طراحی می‌شود و همیشه شامل سخن‌گویی و گوش‌دادن محترمانه و محرمانه تلقی کردن جلسه هستند.

طراحی دستورالعمل‌ها در مرحله آماده‌سازی آغاز می‌شود و تا زمان تشکیل حلقه ادامه پیدا می‌کند. اگر کسی با دستورالعمل‌های پیشنهادشده مخالفت داشته باشد، نگهبان حلقه بحث و گفت‌وگو

دستورالعمل‌ها
از طریق اجماع
در حلقه تعیین
می‌شوند.

درباره پیشنهاد دستورالعمل‌های جدید را هدایت خواهد کرد. این یک جستجو برای تفاهم و پیدا کردن نقاط مشترک است تا فضایی محترمانه برای تمامی مشارکت‌کنندگان تضمین شود.

عموما رسیدن به اجماع برای دستورالعمل‌ها امر دشواری نیست. به عنوان مثال حتی در شرایط خصمانه وقتی مشارکت‌کنندگان ممکن است حتی به سخنان یکدیگر نیز گوش ندهند، آنان کماکان خواهند خواست تا گوش‌دادن محترمانه جزء دستورالعمل‌ها قرار گیرد. زیرا خودشان می‌خواهند که حرفشان با احترام شنیده شود. دستورالعمل‌ها با پرسش از افراد درباره اینکه برای خودشان از دیگران چه می‌خواهند پیدا خواهند شد، و سپس طبیعتاً آن دستورالعمل‌ها شامل تمامی افراد داخل حلقه خواهند شد.

بحث درباره دستورالعمل‌ها به مشارکت‌کنندگان حلقه کمک می‌کند تا به این بیندیشند که دیگران چگونه آن‌ها را خواهند دید؛ به‌ویژه در شرایط خصمانه و خشمگینانه.

ابزار سخن‌گویی

ابزار سخن‌گویی چیزی است که از یک فرد به فرد دیگر در درون حلقه دست به دست می‌شود. همان‌طور که از اسمش پیداست، کسی که آن را در دست دارد تنها فردی است که در آن واحد اجازه سخن‌گویی دارد و باقی مشارکت‌کنندگان باید با دقت به سخنان او گوش دهند و به فکر پاسخ‌گویی نباشند. کسی که ابزار را در دست دارد ممکن است تصمیم به سکوت بگیرد، یا بدون حرف‌زدن آن را به دیگری بدهد. اجباری برای صحبت کردن هنگام در دست داشتن ابزار سخن‌گویی وجود ندارد.

❖ ————— ❖

ابزار سخن‌گویی
عنصری حیاتی
برای ایجاد فضایی
است که در آن
مشارکت‌کنندگان
می‌توانند
صادقانه حرف
بزنند.

❖ ————— ❖

ابزار سخن‌گویی یک عنصر حیاتی برای ایجاد فضایی است که در آن مشارکت‌کنندگان می‌توانند از حقیقت درونشان بگویند. این ابزار به سخن‌گو تضمین می‌دهد که حرفش قطع نخواهد شد، که می‌تواند مکث کند و کلمات متناسب با آنچه در قلب و ذهنش وجود دارد را پیدا کند، که می‌تواند با احترام شنیده شود. ابزار سخن‌گویی روند گفت‌وگو را آهسته می‌کند و تعامل اندیشمندانه میان مشارکت‌کنندگان را تشویق می‌کند. اغلب ابزار

سخن‌گویی معنایی نمادین دارد که به ارزش‌های مشترک گروه مرتبط است و در نتیجه به طور مداوم برای اعضا یادآور آن ارزش‌ها است.

ابزار سخن‌گویی سطحی از نظم را در گفت‌وگو به وجود می‌آورد که اجازه بیان احساسات دشوار را می‌دهد بدون اینکه فرایند از مسیر خود خارج شود. از آن‌جا که تنها یک نفر می‌تواند در آن واحد صحبت کند و ابزار سخن‌گویی به طور منظم در حلقه دست به دست می‌شود، دو عضو نمی‌توانند در صورت اختلاف نظر یا خشم با یکدیگر جر و بحث کنند. ابزار سخن‌گویی مسئولیت پاسخ‌گویی و مدیریت احساسات دشوار را بین

اعضای حلقه تقسیم می‌کند. از آن‌جا که مشارکت‌کنندگان می‌دانند که نگهبان معمولاً تا زمانی که ابزار به دستش نرسیده صحبت نخواهد کرد، باقی اعضا اغلب با روش‌های اندیشمندانه به ابزار درد، خشم، یا تضاد پاسخ می‌دهد. ابزار سخن‌گویی وسیله قدرتمند برای ایجاد برابری است. این ابزار به هر مشارکت‌کننده فرصتی مساوی برای سخن‌گویی می‌دهد و این فرض ناگفته را با خود به همراه دارد که هر مشارکت‌کننده چیز مهمی برای ارائه به گروه دارد. ابزار سخن‌گویی به سخن‌گفتن افراد ساکت که عموماً خود داخل یک گفت‌وگو نمی‌شوند کمک می‌کند. با دست‌به‌دست‌شدن فیزیکی آن، ابزار سخن‌گویی رشته‌ای مرتبط‌کننده میان اعضای حلقه می‌تند.

مدیریت و تسهیل امور

اصطلاح «نگهبان» اغلب به گرداننده امور حلقه اطلاق می‌شود. توماس پورتر، مدیر سازمان جاست‌پیس متودیسست متحد، از اصطلاح «خدمت‌گزار» در حلقه‌هایی که در بستر مسیحی تشکیل می‌شوند استفاده می‌کند. در این کتاب من از نگهبان و گرداننده استفاده خواهم کرد. نگهبان در حلقه مسئول پیدا کردن راه‌حل یا کنترل گروه نیست. نقش نگهبان تسهیل ایجاد فضایی امن و محترمانه است و کمک به مشارکت‌کنندگان در تقسیم مسئولیت فضا و کار مشترک.

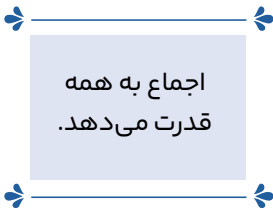
نگهبان به گروه کمک می‌کند که به خرد فردی و گروهی دسترسی پیدا کنند و این کار را از طریق بازکردن فضا با ظرافت و نظارت بر کیفیت فضای پیشروی فرایندهای گروه انجام می‌دهد. نقش مهمی که ابزار سخن‌گویی در نظم‌دادن به گفت‌وگو دارد در واقع نقش نگهبان را در حد یک گرداننده نسبی روند گفت‌وگوها کاهش می‌دهد. این امکان وجود دارد که نگهبان بدون در دست داشتن ابزار سخن‌گویی صحبت کند، اما این امر به‌ندرت اتفاق می‌افتد.

نقش نگهبان آن‌طور که در الگوهای امروزی حل اختلاف در غرب می‌بینیم «بی‌طرفانه» نیست. نگهبان یکی از مشارکت‌کنندگان در فرایند است و ممکن است افکار، ایده‌ها و داستان‌های خود را با بقیه در میان بگذارد. با این وجود به‌دلیل رساندن جهت‌گیری‌های گرداننده یکی از اهداف فرایند حلقه است، اما این امر از طریق توجه به تمام افراد درون حلقه انجام می‌گیرد و نه از طریق بی‌طرفی پزشکی‌مانند.

از آن‌جا که دستورالعمل‌ها در حلقه از طریق اجماع در گروه ایجاد می‌شوند و متعلق به گروه هستند، نگهبان به جای یک مجری بیش‌تر نقش یک ناظر را دارد. اگر دستورالعمل‌ها به کار نمی‌آیند آن‌گاه نگهبان توجه گروه را به نیاز برای بررسی دستورالعمل‌ها جلب می‌کند.^۱ به غیر از حلقه‌های کوچک، داشتن دو نگهبان یا گرداننده در یک حلقه امری متداول است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک نگهبان موثر توانایی او در واگذار کردن کنترل است؛ اینکه مسئولیت فرایند و نتیجه آن را با مشارکت‌کنندگان حلقه تقسیم می‌کند.

تصمیم‌گیری از طریق اجماع

تمامی حلقه‌های صلح‌جویی برای تصمیم‌گیری نیستند، اما وقتی تصمیم می‌گیرند، تصمیماتشان از طریق اجماع گرفته می‌شود. اجماع در فرایند حلقه عموماً به این معنا است که تمامی مشارکت‌کنندگان با تصمیم موافق هستند و از اجرای آن حمایت می‌کنند. تصمیم‌گیری از طریق اجماع، در تعهدی عمیق به درک نیازها و علایق تمامی مشارکت‌کنندگان و تلاش برای پاسخ‌گویی به تمام



آن نیازها ریشه دارد. اجماع نیاز به گوش‌دادن با دقت و تفکر عمیق قبل از تصمیم‌گیری دارد. تعهد به اجماع مشارکت‌کنندگان را تشویق به کمک به یکدیگر برای پاسخ‌گویی به نیازهایشان می‌کند و در عین حال نیازهای خود مشارکت‌کننده را برآورده می‌کند. اجماع مشارکت‌کنندگان را به چالش

می‌کشد تا اگر با تصمیمی مخالف هستند صادقانه سخن بگویند و سپس به گروه کمک کنند تا به راه‌حلی دست پیدا کند که با آن موافق هستند و نیازهای تمام گروه را پاسخ می‌دهد.

آغاز کردن فرایند اجماع بیش‌تر به رفتاری پژوهشگرانه نیازمند است تا رفتاری سلطه‌جویانه و قانع‌کننده. گوش‌دادن عمیق و با احترام به تمامی مشارکت‌کنندگان که

۱. چگونگی نظارت در برابر اعمال قدرت شامل مهارت‌هایی ظریف است که نیازمند آموزش ویژه و توضیحات بیش‌تری است که در کتابی به این اندازه جای نمی‌گیرد.

ناشی از استفاده از ابزار سخن‌گویی است، تصمیم‌گیری از طریق اجماع را تبدیل به نتیجه طبیعی فرایند حلقه تبدیل می‌کند.

اجماع همیشه امکان‌پذیر نیست، اما در حلقه‌ای که زمان کافی برای گوش‌دادن به تمامی دیدگاه‌ها وجود دارد، دست‌نیافتن به اجماع امری نادر است. وقتی مشارکت‌کنندگان احساس می‌کنند که به‌خوبی شنیده می‌شوند و مشاهده کنند که حلقه برای پاسخ به نیازهای آنان در حال تلاش است به‌ندرت پیش می‌آید که جلوی اجماع را بگیرند، حتی اگر آن چیز که در یک تصمیم خاص به دنبالش هستند را به دست نیاورند.

اگر اجماع به دست نیاید تصمیم‌گیری به صورت معمول آن فرایند انجام خواهد شد. معمولاً به خاطر حلقه اطلاعات کافی برای آن فرایند وجود دارد.

تصمیم‌گیری‌های اجماعی موجب توافق‌های موثرتر و بادوام‌تر می‌شوند. زیرا فرایندهای بر مبنای اجماع به همه اعضا قدرت می‌دهند. دستیابی به اجماع نیازمند توجه گروه به منافع افرادی است که معمولاً قدرت کافی ندارند. فرایند اجماع توان بالقوه‌ای برای دستیابی به نتایج دموکراتیک‌تر دارد. زیرا منافع همه باید مورد نظر قرار گیرد. تصمیمات در نهایت باید نماینده نیاز تمام افراد مشارکت‌کننده باشند و گر نه اجماع حاصل نخواهد شد. در نتیجه تصمیمات باید تا حدی نسبی نیازهای تمام اعضا را برآورده کنند.

تصمیمات یا برنامه‌های برای برآورده کردن منافع تمامی مشارکت‌کنندگان، احتمال موفقیت بسیار بیش‌تری دارند. زیرا تمام مشارکت‌کنندگان از وفاداری به توافق سود خواهند برد. در نتیجه هر مشارکت‌کننده در موفقیت سرمایه‌گذاری کرده است. تصمیم‌گیری از طریق اجماع عموماً در مرحله تصمیم‌گیری زمان زیادی خواهد برد اما در مرحله اجرا زمان بسیار کم‌تری می‌برد. زیرا تمام اعضا به تصمیم گرفته‌شده متعهد هستند.

این پنج عنصر ساختاری - مراسم، دستورالعمل‌ها، ابزار سخن‌گویی، نگهبان و تصمیم‌گیری از طریق اجماع که بر مبنای ارزش‌های مشترک و آموزه‌های بومی هستند - محیطی ایجاد می‌کنند که در آن افراد می‌توانند بهترین ویژگی‌های درون خود را بیرون بکشند و با یکدیگر ارتباطی عمیق برقرار کنند.

اهمیت داستان‌گویی

داستان‌گویی به نحوی اطلاعات را ارائه می‌کند که شنونده پذیرای آن می‌شود. وقتی

اطلاعات اثبات یا درک می‌شوند، ما به‌سرعت شروع به بررسی این امر می‌کنیم که آیا با اطلاعات داده‌شده موافق یا مخالفیم. ما در درجه اول از نظر ذهنی درگیر هستیم و شروع به تفکر درباره نحوه پاسخ‌گویی خود می‌کنیم.

داستان‌گویی نوع دیگری از گوش‌دادن را به کار می‌گیرد. بدن انسان آرامش پیدا می‌کند، تکیه می‌دهد، بیش‌تر پذیرا و کم‌تر نگران است. ما داستان را پیش از بررسی محتوا دریافت می‌کنیم. ما از نظر عاطفی و ذهنی با آن درگیر می‌شویم. این نحوه متفاوت از گوش‌دادن کمک می‌کند تا اطلاعات با جزئیات بیش‌تر و کامل‌تر منتقل شوند و این منجر به درک و تفاهم بیش‌تر بین افراد می‌شود.

❖ ————— ❖

داستان‌گویی
احساس ارتباط
را افزایش
می‌دهد، موجب
خودانتقادی
می‌شود و
مشارکت‌کنندگان
را تقویت می‌کند.

❖ ————— ❖

حلقه‌ها یک فرایند داستان‌گویی هستند. آن‌ها از تاریخ و تجربه تمام اعضای حلقه برای درک موقعیت و پیدا کردن راهی مناسب برای پیشروی استفاده می‌کنند. این کار را از طریق نطق کردن یا نصیحت یا امر و نهی انجام نمی‌دهند. بلکه از طریق مطرح کردن داستان‌های مبارزه، رنج، شادی، ناامیدی و پیروزی انجام می‌دهند. روایت‌های فردی منبع خرد و آگاهی در حلقه هستند.

ما با مطرح کردن داستان‌های شخصی خود فضایی را برای دیگران باز می‌کنیم تا با ما ارتباط برقرار کنند، با ما زمینه‌های مشترکی پیدا کنند و

ما را کامل‌تر بشناسند. در یک رابطه محترمانه سخن‌گو/شنونده، هر دو نفر خود را پذیرای ارتباطی عمیق‌تر با دیگری می‌کنند. وقتی افراد داستان‌های رنج یا اشتباهات خود را مطرح می‌کنند و سپرهای دفاعی خود را کنار می‌گذارند و خود را به عنوان انسان‌هایی آسیب‌پذیر به ما نشان می‌دهند ما با آن‌ها احساس ارتباط بیش‌تری می‌کنیم. «دیگری» کردن افراد و عدم احساس ارتباط با آن فرد از طریق انسانیت مشترکمان دشوار می‌شود. خشمگین یا وحشت‌زده یا بی‌توجه‌ماندن نسبت به کسی که رنج‌ها و آسیب‌پذیری‌های خود را با ما مطرح کرده، کار را دشوارتر می‌کند. مطرح کردن داستان‌های درد و آسیب‌پذیری معمولاً برخی از پیش‌فرض‌های ما درباره گوینده داستان را از بین می‌برد، مگر اینکه از قبل با

داستان زندگی او آشنا باشیم.

تعریف کردن داستانمان یک فرایند بازبینی از خود است. ما با گفتن داستانمان نشان می‌دهیم که چگونه اتفاقی که برایمان افتاده است را درک می‌کنیم، چرا و چگونه بر ما تاثیر گذاشته است، و ما خود و دیگران را چگونه می‌بینیم. روش ما برای بیان داستانمان که دیدگاه ما از واقعیت را شکل می‌دهد، با هر بار تعریف داستان برای دیگری واضح‌تر می‌شود. مردم برای احساس ارتباط و احترام، به گفتن داستان خود و شنیده شدن توسط دیگران نیاز دارند. اینکه دیگران به داستان شما گوش بدهند در فرهنگ ما یکی از کارکردهای قدرت است. هرچه قدرت بیش‌تری داشته باشی افراد بیش‌تری با احترام به داستان شما گوش می‌دهند. گوش دادن با احترام به داستان فرد به معنای احترام گذاشتن به ارزش ذاتی او و تقویت داستان‌گو به صورتی سازنده است.

تمرکز بر روابط

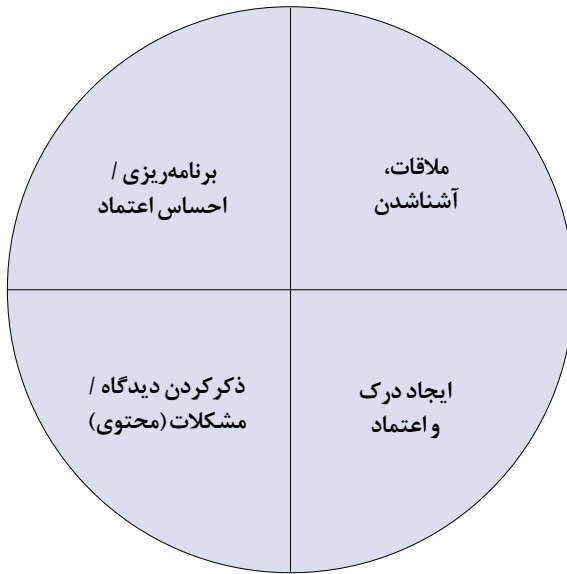
پیش از تلاش برای حل معضلات و تصمیم به کنش، فرایند حلقه باید اول برای کمک به مشارکت‌کنندگان در جهت ایجاد ارتباط با یکدیگر به عنوان انسان وقت بگذارد. هارولد گانتز بی، یک مربی حلقه از قوم بومی تلینگیت از کارکراس در یوکان، چارچوب چرخه دارو را که شامل چهار بخش یا عنصر است به فرایند حلقه افزوده است. (نمودار صفحه ۴۳) این تصویر چرخه دارویی آموزنده این امر است که باید به همان اندازه که برای بحث درباره موضوع و برنامه‌ریزی برای کنش وقت صرف می‌شود، برای آشناسدن با همدیگر و ایجاد درک و تفاهم نیز وقت گذاشته شود.

آشناسدن در سطوح عمیق‌تر و ساختن رابطه در مرحله اول در درون خود حلقه صورت می‌گیرد. اولین دوره‌های حلقه، روش‌هایی به وجود می‌آورد تا افراد از طریق آن‌ها درباره خود صحبت کنند و بگویند که چه چیزی برایشان مهم است و تجربیات مهم زندگی خود را با دیگران مطرح کنند. اولین دوره‌ها عمداً بر موضوع جلسه تمرکز نمی‌کنند.

دور معرفی اغلب افراد را دعوت می‌کند تا امری پرمعنا درباره خود را مطرح کنند. دور ارزش‌ها ممکن است از افراد بپرسد تا ارزشی را که می‌خواهند وارد حلقه کنند نام ببرند و بگویند که چرا این ارزش برای آن‌ها اهمیت دارد. یک دور داستان‌گویی در یک حلقه آشتی ممکن است مشارکت‌کنندگان را ترغیب کند تا تجربه‌ای را بیان کنند که در آن به دیگری

آسیب رساندند و سپس آن را به نحو خوبی حل کردند. در این دورها نگهبان‌ها معمولاً در مطرح کردن احساسات عمیق و آسیب‌پذیری پیش‌قدم می‌شوند. در هر دور، بیش‌تر به سمت مطرح کردن داستان‌های مثبت حرکت می‌شود.

چهار عنصر ارتباط‌ساز حلقه‌ها (بر مبنای چرخه دارویی)



همچنان که مشارکت‌کنندگان جنبه‌هایی ناشناخته از خود را با دیدگاه مثبتی مطرح می‌کنند، تصورات منفی دیگران از آنان ممکن است به مرور ترک بخورد و از بین برود. همان‌طور که مشارکت‌کنندگان داستان‌های خود را مطرح می‌کنند، متوجه شباهت‌های غیرمنتظره خود با یکدیگر می‌شوند.

آماده‌سازی با دقت، میهمان‌نوازی وقتی اعضا فرا می‌رسند، یک مقدمه اندیشمندانه، ایجاد دستورالعمل‌های جمعی و استفاده از ابزار سخن‌گویی، همگی به ایجاد فضایی که در آن افراد داستان‌های عمیق‌تری تعریف می‌کنند و خود را آسیب‌پذیر نشان می‌دهند کمک می‌کنند. وقتی افراد در برابر یکدیگر آسیب‌پذیر می‌شوند اعتمادسازی شروع می‌شود.

میزان ارتباط و اعتماد تأثیری مستقیم بر نتیجه بخش بودن بحث‌ها درباره موضوع و طرح برنامه برای پاسخ‌گویی به معضلات است. اگر گروهی از مردم احساس ارتباط و اعتماد با یکدیگر نداشته باشند، بحث درباره موضوعات اغلب در سطح باقی خواهد ماند. اگر افراد احساس داشتن زمینه مشترک را، که از شناخت درست یکدیگر حاصل می‌شود، نداشته باشند، ممکن است برای بیان عمیق‌ترین حقیقتشان احساس امنیت نکنند.

اغلب هنگام صحبت درباره موضوعات دشوار، افراد احساس آسیب‌پذیری شدیدی می‌کنند. اگر احساس اعتماد و ارتباط وجود نداشته باشد افراد نیز منابع و توانایی‌های خود را در اختیار گروه قرار نمی‌دهند. برنامه‌هایی که بر مبنای اطلاعات و تحلیل‌های سطحی طراحی می‌شوند تأثیر خاصی ندارد.

یک دانش‌آموز کلاس دهم برای عدم حضور در مدرسه به حلقه فرستاده شده بود. علاوه بر آن، او به خاطر سیگار کشیدن هم به در دسر افتاده بود. در جریان دومین حلقه، او داستانی گفت درباره اینکه از زمانی که در پاییز کلاس هشتم از مدرسه تا پایان سال تحصیل تعلیق شد دیگر در مدرسه احساس آرامش نداشته است.

هیچ کس در دبیرستان از آسیب روحی این تجربه بر او اطلاعی نداشت، تا زمانی که او و مادرش در این باره در حلقه صحبت کردند. او به اعضا گفت که این از کلاس هشتم تا کنون اولین باری بود که شخصی در مدرسه واقعا تلاش کرده بود بفهمد مشکل او چیست.^۱

وقتی برنامه‌ها برای دستیابی به نتیجه مطلوب شکست می‌خورند، گروه‌ها معمولاً دوباره به تحلیل مشکل و تلاش برای طراحی یک برنامه جدید می‌پردازند. اگر هنوز رابطه و اعتماد شکل نگرفته باشد، آنان باز هم به حقیقت عمیق‌تری نخواهند رسید، و تحلیل و برنامه‌ریزی

۱. از یک گزارش درباره رفتار مداخله‌جویانه داخل مدرسه.

باز هم نتیجه مطلوب را نخواهد داد. اگرچه ایجاد رابطه زمان می‌برد، اما این زمان ارزشش را دارد. زیرا موجب دستیابی به راه‌حل‌های موثر و پایدار خواهد شد.

حلقه‌ها از تمایل عمیق انسان به ایجاد ارتباط مثبت با دیگران به عنوان سکویی برای پرورش رابطه استفاده می‌کنند. این به افراد اجازه می‌دهد مشکلات را به صورت عمیق‌تری موشکافی کنند تا به راه‌حل‌های خردمندانه‌تری برای مشکلات و تضادهای دشوار دست پیدا کنند.

مراحل فرایندهای حلقه

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، استفاده از حلقه‌های صلح‌جویی نیازمند چیزی بیش‌تر از چیدن صندلی‌ها به صورت حلقه دور یکدیگرند. حلقه‌هایی که به آسیب یا تضاد می‌پردازند شامل فرایندی چندمرحله‌ای هستند، و هر مرحله برای تاثیرگذاری فرایند دارای اهمیت است. بیش‌تر فرایندهای حلقه شامل این ۴ مرحله می‌شوند: تعیین مناسبت، آماده‌سازی، تشکیل حلقه و پیگیری.

مرحله ۱: تشخیص تناسب

این مرحله شامل ارزیابی این موضوع است که آیا حلقه فرایندی مناسب برای این موقعیت است یا خیر.

برای تعیین آن باید این سوالات پرسیده شود:

- آیا طرفین اصلی مایل به مشارکت هستند؟
- آیا گردانندگان آزموده در دسترس هستند؟
- آیا این شرایط زمان مورد نیاز برای استفاده از فرایند حلقه را به ما می‌دهد؟
- آیا می‌توان از امنیت فیزیکی و عاطفی محافظت کرد؟

مرحله ۲: آماده‌سازی

تعیین اینکه چه کسی نیاز به مشارکت دارد، چه کسی مورد تاثیر قرار گرفته است، چه کسی منابع، مهارت‌ها یا معلومات موردنیاز را دارد، و چه کسی تجربه زندگی مشابهی دارد که ممکن است مفید واقع شود.

- آشنا کردن طرفین اصلی با فرایند.
- آغاز کنکاش در بستر موضوع.

مرحله ۳: دور هم جمع کردن تمام گروه‌ها

- شناسایی ارزش‌های مشترک و طراحی دستورالعمل‌ها.
- آغاز داستان‌گویی برای ایجاد رابطه و پیوستگی.
- مطرح کردن نگرانی‌ها و امیدها.
- ابراز عواطف.
- کاوش برای درک دلایل ریشه‌ای آسیب یا اختلاف.
- تولید ایده برای رسیدگی به آسیب یا حل اختلاف.
- پیدا کردن حوزه‌های اجماع برای آغاز کنش.
- ایجاد تعهد و مشخص کردن مسئولیت‌ها.

مرحله ۴: پیگیری

- ارزیابی پیشرفت‌های انجام‌شده در تعهدات: آیا تمامی گروه‌ها به وظایف خود عمل می‌کنند؟
- کاوش برای یافتن دلیل هر گونه شکست و عدم وفای به عهد، مشخص کردن مسئولیت‌ها و شناسایی مرحله بعدی در صورتی که این شکست ادامه پیدا کند.
- تنظیم تعهدات بر مبنای اطلاعات و تغییرات جدید.
- تشویق و تکریم موفقیت.

واضح است که مرحله سوم (دور هم جمع کردن تمامی گروه‌ها) درون یک حلقه انجام می‌گیرد. با این وجود حلقه‌ها ممکن است در هر کدام از ۳ مرحله دیگر فرایند نیز مورد استفاده قرار گیرند. به عنوان مثال وقتی یک حلقه صلح‌جویی برای صدور حکم در یک پرونده کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد، فرایند از حلقه‌ها در مراحل پیش از رسیدن به حلقه صدور حکم استفاده می‌کند.

- **مرحله یک:** مجرم ممکن است برای به کارگیری فرایند حلقه از طریق حلقه ثبت نام

یا حلقه مصاحبه اقدام کند.

- **مرحله دو:** آماده‌سازی ممکن است شامل این امور باشد: الف) ایجاد یک نظام پشتیبانی برای مجرم، ب) ایجاد یک نظام پشتیبانی برای قربانی، ج) حلقه ترمیم برای قربانی، د) حلقه درک و تفاهم برای مجرم.
- **مرحله سه:** فرایند صدور حکم در یک حلقه انجام می‌شود.
- **مرحله چهار:** ممکن است در مدت زمان مشخص برای بررسی پیشرفت‌های تعهدات مربوط به حکم صادر شده حلقه‌های پیگیری تشکیل شود.

۷. یک داستان حلقه: درمان آتاریک جرم خشن^۱

با ورود افراد به اتاق نشیمن خانه‌هایی در مینیاپولیس شمالی، خنده و خداحافظی فضای اتاق را پر کرد. گفت‌وگویی که دم در صورت گرفت بیانگر داستان آن شب بود.

- یکی از اعضای اجتماع محلی پرسید: «آیا هنوز می‌ترسی؟»

- مرد حدوداً پنجاه‌ساله پاسخ داد: «نه، من دیگر نخواهم ترسید.»

این گفت‌وگو پس از یک حلقه صلح‌جویی انجام شد که در آن قربانی یک سرقت مسلحانه با پسر ۱۷ ساله‌ای در حیاط منزل خود روبرو شد که اسلحه‌اش را روی پیشانی او گذاشته بود. در این حلقه، خانواده قربانی، یک دوست خانواده آن نوجوان، تعدادی از اعضای اجتماع و متخصصان مددکاری نوجوانان حضور داشتند، که روی هم حدود بیست نفر می‌شدند. قربانی آسیب روحی ناشی از جرم و تاثیر آن بر زندگی خود را توصیف کرد. نوجوان و خانواده‌اش پشتیبانی و نگرانی خود برای قربانی را ابراز کردند. اعضای اجتماع حمایت خود از هر دو خانواده را اعلام کردند و ابراز امیدواری کردند که اجتماع بتواند با دور هم جمع شدن و اتحاد، محله خود را تقویت کند.

پس از اینکه همگی فرصت صحبت پیدا کردند، قربانی درخواست کرد تا دوباره صحبت کند. او به دور حلقه نگاهی انداخت و سپس به نوجوان گفت: «وقتی که از ردوینگ

(ندامت‌گاه نوجوانان) بیرون آمدی، می‌خواهم تو را به ناهار دعوت کنم.»

کمی بعد، در وقفه میان برنامه، نوجوان نزد پسر قربانی رفت که هم‌سن‌وسال خودش بود و دست خود را دراز کرد. پسر از جا بلند شد و نوجوان را در آغوش گرفت. نوجوان سپس به قربانی و همسرش نزدیک شد، آنان نیز او را در آغوش گرفتند. آسیب روحی شش ماه گذشته تبدیل شده بود به تجربه حمایت اجتماعی و ابراز ندامت بابت آسیب واردشده به مرد و خانواده‌اش.

پیش از اینکه این حلقه دو خانواده را دور هم جمع کند، حلقه‌های مجزا برای قربانی و نوجوان تشکیل شده بود. حلقه درک برای قربانی فرصتی فراهم کرد تا وحشت کامل از آن تجربه و عواقبش را بیان کند. از جمله سخنان دردناک آنان که می‌گفتند: این اتفاق مهمی نیست چون «هیچ کس آسیبی ندید.»

هر دو خانواده پیش از فرایند حلقه در درد خود احساس انزوا و تنهایی می‌کردند. هر دو خانواده احساس می‌کردند که اجتماع به آن‌ها توجهی ندارند. هر دو خانواده از دریافت پیشنهاد کمک و حمایت از سوی افرادی در اجتماع که هیچ تماس مستقیمی با واقعۀ نداشتند غافلگیر شدند. فرایند حلقه توانست چرخه انزوا و وحشت را بشکند. به مشارکت‌کنندگان به عنوان یک اجتماع احساس امید درباره آینده داد که فراتر از این واقعۀ فردی بود.

گفت‌وگو درون حلقه همچنین دیدگاه‌های مهمی که اغلب شنیده نمی‌شوند را مطرح کرد. پدر و برادر بزرگ‌تر نوجوان در محکوم‌کردن اسلحه بسیار مصمم بودند. برادر بزرگ‌تر نوجوان با شیوایی درباره دشواری‌های بزرگ‌شدن به عنوان یک نوجوان سیاه‌پوست صحبت کرد. دادن صدایی به این دیدگاه‌ها و افزایش آگاهی اجتماع و نظام یکی از نتایج مهم این فرایند حلقه است.

۸. سازمان دهی یک حلقه سخن‌گویی

مشارکت در یک حلقه راه بسیار خوبی برای یادگیری فرایند است. اگر حلقه‌ای موجود نباشد، تشکیل یک حلقه سخن‌گویی بستر مناسبی برای آغاز این کار است. تمرین و ترمیم شخصی پیش از آغاز به مدیریت حلقه‌های مربوط به اختلاف، آسیب، تصمیمات گروهی دشوار و شرایط سنگین عاطفی، اموری ضروری هستند.

با این وجود امکان مدیریت یک حلقه سخن‌گویی بدون آموزش جدی وجود دارد. حلقه‌های سخن‌گویی تلاش نمی‌کنند تا گروهی را برای اجماع دور هم جمع کنند یا اختلافات شدید در روابط را ترمیم کنند، آن‌ها تنها به افراد اجازه می‌دهند تا درباره موضوعی خاص دیدگاه خود را بیان کنند.

مطرح کردن دیدگاه درک همگان را درباره موضوع بالا می‌برد و ممکن است روابط را بهبود بخشد، اما یک حلقه سخن‌گویی تلاشی برای کارهای عمیق در زمینه رابطه انجام نمی‌دهد. حلقه سخن‌گویی را می‌توان این‌گونه به کار برد:

- حفظ ارتباط با باقی اعضای یک گروه (کلاس، همکاران، نهاد مدنی، کمیته، هیئت مشاوران، مسئول یک پروژه)،
- تفکر و بحث درباره یک تجربه گروهی مانند فیلم، ویدئو، سخنرانی، یا کتاب،
- ارائه بازخورد به مدیر یا رهبر یک فرایند گروهی،
- ارائه نظر به تصمیم‌گیرندگان،

- گفت‌وگو درباره نگرانی‌های اجتماعی یا محلی مانند نژادپرستی،
- کاوش در معنی متفاوت یک تجربه یا واقعه برای مردم،
- مطرح کردن دیدگاه‌های فرانسلی،
- تبادُل دیدگاه‌های متنوع درباره یک موضوع عاطفی مانند ازدواج همجنس‌گرایان یا سقط جنین.

در این بخش توصیف می‌کنیم که چگونه یک حلقه سخن‌گویی درباره یک موضوع نگرانی اجتماعی سازمان‌دهی کنیم. اجتماع می‌تواند یک محل کار، مدرسه، کلیسا یا محله باشد. ابتدا موضوعی برای حلقه انتخاب کنید. موضوع باید برای شما به عنوان سازمان‌دهنده بسیار مهم باشد. بیانیه‌ای برای اهداف حلقه سخن‌گویی شکل دهید: هدف حلقه سخن‌گویی چیست؟ سپس چهار مرحله فرایند حلقه را به ترتیب زیر پیش ببرید.

مرحله یک: تشخیص تناسب

برای درک اینکه آیا حلقه سخن‌گویی با هدف شما تناسب دارد یا خیر به سوالات زیر پاسخ دهید:

آیا افرادی هستند که قصد مشارکت داشته باشند؟ آیا موضوع برای همه اهمیت دارد؟ اگر نه تشکیل حلقه ضرورتی ندارد.

آیا من (سازمان‌دهنده) امید دارم که دیگران را درباره یک دیدگاه خاص قانع کنم یا دیگران را تغییر دهم؟ اگر پاسخ مثبت است، تشکیل حلقه مناسب نیست.

آیا من پذیرای شنیدن و احترام گذاشتن به دیدگاه‌هایی هستم که با نظرات من تفاوت بسیاری دارند؟ اگر نه، ایجاد حلقه مناسب نیست.

آیا نیت تشکیل حلقه به تمامی شرکت‌کنندگان احترام می‌گذارد؟ اگر نه، تشکیل حلقه ضرورتی ندارد.

مرحله دو: آماده‌سازی

- پس از تعیین اینکه حلقه سخن‌گویی بستر مناسبی برای برای گفت‌وگوهای است که به آن‌ها علاقه دارید، آماده‌سازی را آغاز کنید:

- مشارکت‌کنندگان بالقوه را شناسایی کنید، اطمینان حاصل کنید که افرادی با دیدگاه‌های متفاوت را دعوت کرده‌اید. اگر تمام مشارکت‌کنندگان دیدگاه مشترکی نسبت به موضوع داشته باشند فایده بالقوه حلقه به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. مشارکت‌کنندگان ممکن است یک گروه موجود دیگر باشند.
- تعیین کنید که چه کسی تسهیل‌گری را در حلقه بر عهده خواهد داشت. اگر تصمیم دارید که خود نگهبان حلقه باشید کسی را برگزینید که به شما در مسئولیت کمک و در ایجاد فضای امن برای گفت‌وگو محترمانه شما را پشتیبانی کند.
- زمان و مکانی برای حلقه سخن‌گویی تعیین کنید. به خاطر بسپارید که برخورد خوش و مهمان‌پذیری اهمیت زیادی دارند. اطمینان حاصل کنید که محیط می‌تواند تعداد مورد نیاز صندلی را که به طور حلقه‌وار چیده شده‌اند در جای خود جای دهند.
- دعوت‌نامه را برای مشارکت‌کنندگان با توضیحی درباره موضوع جلسه، هدف حلقه و ذات این فرایند بفرستید.
- یک ابزار سخن‌گویی انتخاب کنید که برای گروه دارای معنی است و شنوندگی با احترام را تشویق می‌کند.
- برای یک مراسم آغازین برنامه‌ریزی کنید تا لحن حلقه و فضای ارتباطات را از ابتدا مشخص کنید مانند (خواندن متن، نفس عمیق و موسیقی). در برنامه‌ریزی برای مراسم آغازین و قطعه وسعت حلقه که در پایین ذکر می‌شود، اطمینان حاصل کنید که چیزی را انتخاب نکنید که موجب سوءتفاهم برای مشارکت‌کنندگان شود.
- قطعه‌ای را برای وسط حلقه انتخاب کنید، مانند پارچه‌ای به همراه یک شم یا چند گل، یا اشیاء دیگر که برای گروه دارای معنی هستند یا به موضوع ربط دارد.
- تصمیم بگیرید که آیا می‌خواهید در حلقه غذا هم وجود داشته باشد یا خیر و برای آن برنامه‌ریزی کنید (غذا می‌تواند در ابتدا یا پایان حلقه صرف شود).
- سوالاتی آماده کنید که به مشارکت‌کنندگان کمک می‌کنند تا با موضوع گفت‌وگو آشنا شوند.
- زمانی را برای تفکر یا مراقبه درباره نیت خود و اهمیت ورود به حلقه با دیدگاهی باز و پذیرای نظر دیگران بگذارید.

مرحله ۳: تشکیل حلقه

پس از آماده‌سازی زودتر در محل حاضر شوید. اطمینان حاصل کنید که همه چیز آماده است. اگر قطعه‌ای برای وسط حلقه آماده کرده‌اید آن را در محل قرار دهید. مدتی را به تنفسی عمیق و خالی کردن ذهن‌تان از اموری که حواستان را پرت می‌کنند اختصاص دهید. از این مراحل برای تشکیل حلقه استفاده کنید:

- از مشارکت‌کنندگان هنگام ورود استقبال کنید. وقتی همه حاضر هستند و زمان آغاز فرا رسیده است، از همه دعوت کنید که بنشینند.
- به همه خوشامد بگویید و از آمدنشان تشکر کنید.
- مراسم آغازین را انجام دهید.
- مجدداً هدف حلقه سخن‌گویی و نیت خود را مطرح کنید.
- ابزار سخن‌گویی را معرفی و نحوه استفاده از آن را توضیح دهید. توضیح دهید که ابزار سخن‌گویی دور حلقه دست به دست خواهد شد و به همه اجازه صحبت خواهد داد. تنها کسی که ابزار را در دست دارد اجازه سخن‌گفتن دارد. تنها استثنا وقتی هست که نگهبان بدون در دست داشتن ابزار سخن‌گویی در صورت ضرورت و برای حفظ عملکرد سالم حلقه صحبت خواهد کرد. تأکید کنید که افراد می‌توانند ابزار را بدون صحبت کردن به دیگری بدهند.
- دستورالعمل‌ها را آماده کنید. اهمیت حلقه را به عنوان محلی که افراد در آن صادقانه سخن می‌گویند توضیح دهید. ابزار سخن‌گویی را دست به دست در حلقه بگردانید و از مشارکت‌کنندگان بخواهید تا تعهداتی که از بقیه اعضا برای صحبت صادقانه در حلقه می‌خواهند را مطرح کنند.
- دستورالعمل‌های پیشنهادشده را در یک دفترچه بنویسید. در پایان دور فهرست را برای گروه بخوانید. از مشارکت‌کنندگان بپرسید که آیا می‌توانند به آن دستورالعمل‌ها وفادار بمانند یا خیر. ابزار سخن‌گویی را برای پاسخشان دست به دست کنید. اگر اجماع صورت نگیرد، تغییراتی انجام دهید که همه با آن‌ها موافق باشند.
- اگر محدودیت‌های زمانی برای حلقه وجود دارد آن‌ها را توضیح دهید و از مشارکت‌کنندگان بخواهید آن‌ها را مد نظر داشته باشند تا همه فرصت کافی برای صحبت کردن پیدا کنند.

- با استفاده از ابزار سخن‌گویی، یک دور از معرفی‌ها را آغاز کنید، حتی اگر افراد همدیگر را بشناسند. سوالی از مشارکت‌کنندگان بپرسید تا علاوه بر معرفی خود به آن پاسخ دهند. این سوال بیش‌تر در جهت معرفی بهتر مشارکت‌کنندگان به یکدیگر است و پیش از آغاز بحث انجام می‌شود.
- می‌توانید از مشارکت‌کنندگان درباره نحوه آشنایی آنان با سازمان‌دهنده سوال کنید، یا اینکه چه تجربه‌ای آنان را به موضوع جلسه علاقه‌مند کرد، یا چه تجربه‌ای در زمینه گفت‌وگو درباره موضوعات دشوار و بحث‌برانگیز دارند. یکی از اهداف این سوال این است که به مشارکت‌کنندگان کمک کند تا اشتراکات خود را علی‌رغم نظرات متفاوت ببینند. نگهبان در این دور اول از همه سخن می‌گوید و الگوی باقی مشارکت‌کنندگان می‌شود.
- گفت‌وگو درباره موضوع بحث را با سوالی آغاز کنید که مشارکت‌کنندگان را دعوت به مطرح کردن افکار و احساساتشان درباره موضوع می‌کند. سوال را برای گروه مطرح کنید و ابزار سخن‌گویی را برای پاسخ دست به دست کنید. در این دور معمولاً بهتر است که نگهبان پس از همه صحبت کند.
- ابزار سخن‌گویی را دست به دست کنید تا افراد به آنچه در دور قبلی از دیگران شنیدند پاسخ دهند.
- اگر زمانی برای استفاده بیش‌تر از ابزار سخن‌گویی باقی ماند، موضوعات برجسته‌تری که در دورهای قبلی مطرح شد را دنبال کنید.
- اگر افراد یکدیگر را قطع می‌کنند، بدون ابزار سخن‌گویی صحبت می‌کنند یا به هر صورتی بی‌احترامی می‌کند، گفت‌وگو درباره موضوع را متوقف کنید و به دستورالعمل‌ها رجوع کنید، از شرکت‌کنندگان بپرسید که آیا می‌توانند به دستورالعمل‌ها وفادار بمانند یا بهتر است در آن‌ها تغییری صورت گیرد.
- حدود ۱۵ دقیقه قبل از پایان حلقه مجدداً ابزار سخن‌گویی را دست به دست کنید و از مشارکت‌کنندگان درباره احساساتشان درباره تجربه حلقه یا کلام پایانی بپرسید.
- سخنان پایانی باید از دیدگاه شما این تجربه را جمع‌بندی کنند، به نیت اولیه مربوط باشند، مشخص کنند که چه چیزی یاد گرفتید و از موفقیت گروه در ایجاد و حفظ فضایی محترمانه تقدیر کنید. از تمام مشارکت‌کنندگان برای تعهد و احترام به فرایند

تشکر کنید.

- مراسم پایانی را برگزار کنید که نشان‌دهنده ختم فرایند باشد و به افراد ارتباطشان را یادآوری کند و بر پتانسیل مثبت فرایند تاکید داشته باشد (خواندن متن، موسیقی و تفکر در سکوت).

مرحله ۴: پیگیری

پیگیری برای بسیاری از انواع حلقه ضروری است، اما حلقه سخن‌گویی عموماً نیازی به پیگیری ندارد مگر اینکه گروه تصمیم به ادامه گفت‌وگو گرفته باشد. به عنوان یک نگهبان شما ممکن است بخواهید از نظر مشارکت‌کنندگان درباره نقاط قوت و ضعف فرایند آگاه شوید. بررسی شخصی نقش شما به عنوان نگهبان و مشورت با نگهبان دیگر پس از پایان حلقه اهمیت دارد.

این مراحل یک راهنمای کلی هستند. حلقه‌ها بی‌انعطاف نیستند، اما برخی عناصر مانند آغاز و پایان مراسم، استفاده از ابزار سخن‌گویی و ایجاد دستورالعمل‌ها ضروری هستند. همین مراحل با تغییراتی کوچک در انواع دیگر حلقه‌های سخن‌گویی نیز به کار می‌روند. به عنوان مثال مرحله آماده‌سازی برای سازمان‌دهی یک حلقه برای تفکر و بحث درباره تجربه مشترک (مانند کلاس درس) بسیار ساده است. زیرا موضوع، مشارکت‌کنندگان و محل و زمان حلقه معمولاً از قبل مشخص شده‌اند.

۹. یک داستان حلقه: دستیابی به احترام بین نسل‌های مختلف^۱

دو سازمان محلی در میلواکی به عدالت ترمیمی (Restorative Justice) علاقه‌مند شدند و شروع به گفت‌وگو با دیوید کردند که یک دادستان محلی است و در زمینه گسترش عدالت ترمیمی در شهر بسیار فعال بوده است. آن‌ها جلسه اطلاعاتی کوتاهی را درباره حلقه‌ها سازمان‌دهی کردند و برای مدتی به گفت‌وگوها ادامه دادند و راه‌های استفاده از روش ترمیمی را برای شکستن انزوایی که بسیاری از سالخوردگان و جوانان تجربه می‌کنند بررسی کردند. این انزوا منجر به ترس و بی‌اعتمادی می‌شود و کیفیت زندگی را به‌ویژه در سالخوردگان کاهش می‌دهد.

باربارا و جین، سازمان‌دهندگان این برنامه تصمیم گرفتند یک حلقه سخن‌گویی با شرکت سالخوردگان و جوانان تشکیل دهند تا سطح علاقه آنان به استفاده از حلقه‌های صلح‌جویی در آینده را برای رسیدگی به معضلات انزوا و امنیت شخصی برای سالخوردگان و جوانان ارزیابی کنند. آنان می‌خواستند تعیین کنند که آیا علاقه کافی به این فرایند وجود دارد تا سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش برای حلقه‌های صلح‌جویی را توجیه کند. در مرحله آماده‌سازی آنان سالخوردگان را برای دعوت به حلقه شناسایی کردند. آنان

سالخوردگانی را انتخاب کردند که تجربه وحشت و میل ایجاد به رابطه‌ای بهتر با جوانان داشتند. آنان با باشگاه محلی پسران و دختران همکاری کردند و یک گروه رهبری متشکل از نوجوانان را از آن باشگاه به حلقه دعوت کردند.

برای ۲۲ سالخورده و ۱۰ نوجوان دعوت‌نامه فرستاده شد. ساختار جمعیتی این محله در طول سالیان دست‌خوش تغییرات شدیدی شده بود. سالخوردگان اکثراً سفیدپوست بودند، در حالی که نوجوانان ترکیبی از آفریقایی-آمریکایی، لاتین و سفیدپوست بودند. سازمان‌دهندگان از دیوید خواستند تا نگهبانی حلقه را بر عهده بگیرد، زیرا او یک نگهبان با تجربه است. آنان محل (اتاقی در باشگاه پسران و دختران) و زمان (۳:۳۰ - ۵:۳۰ بعدازظهر) را برای حلقه تعیین کردند و برای غذا نیز برنامه‌ریزی کردند. آنان دعوت‌نامه‌ها را تولید و توزیع کردند. همچنین فعالیت آغازین را که شامل ساختن نقاب برای ماردی گرا (Mardi Gras) بود برنامه‌ریزی کردند.

در تهیه مقدمات، دیوید به عنوان نگهبان قطعه وسط حلقه و ابزار سخن‌گویی حلقه را انتخاب کرد. دیوید با مشورت سازمان‌دهندگان سوال‌هایی برای حلقه طراحی کرد. سازمان‌دهندگان زودتر به محل رسیدند تا غذا و لوازم هنری برای ساخت نقاب‌ها را آماده کنند. دیوید حلقه صندلی‌ها را چید و قطعه وسط حلقه را که یک مجسمه چوبی از چهره‌های درهم‌پیچیده بود سر جایش قرار داد. او همچنین زمانی را به تمرکز و پیدا کردن مرکز ثقل خود از طریق تنفس عمیق اختصاص داد.

همان‌طور که افراد به حلقه می‌رسیدند، به آنان خوش‌آمد گرمی گفته می‌شد و از آنان دعوت می‌شد تا با لوازم موجود به ساختن نقاب‌های ماردی گرا بپردازند. دوازده نفر از سالخوردگان دعوت‌شده و ۱۰ نفر از جوانان به حلقه آمده بودند. وقتی گروه در حلقه صندلی‌ها دور هم جمع شد، سازمان‌دهندگان جلسه را با سخنانی درباره ماردی گرا و معنی نقاب‌ها آغاز کردند. دیوید ابزار سخن‌گویی را معرفی کرد که یک پر تزئین‌شده بود و او اهمیت پر را توضیح داد. آن پر توسط یکی از همکارانش به او داده شده بود، پس از اینکه با هم در جلسات آموزش حلقه شرکت کرده بودند. دیوید همچنین نحوه استفاده از ابزار سخن‌گویی را توضیح داد و بر اهمیت سخن‌گویی و شنوندگی محترمانه تاکید کرد.

سپس با استفاده از ابزار سخن‌گویی دیوید از مشارکت‌کنندگان خواست تا خود را معرفی کنند و بگویند که چند وقت است که در این محله زندگی می‌کنند و به باشگاه

پسران و دختران می‌آیند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت که او ۶۵ سال است که در همان خانه ساکن است و به درازا درباره تاریخچه‌اش در آن محله سخن گفت. در دومین دور چرخیدن ابزار سخن‌گویی، دیوید از افراد خواست تا داستانی تعریف کنند که باعث می‌شود به زندگی در آن محله و عضویت در باشگاه پسران و دختران افتخار کنند.

دور سوم و پایانی گردش ابزار سخن‌گویی به مشارکت‌کنندگان این فرصت را داد تا چیزی را که آن روز یاد گرفته‌اند مطرح کنند. یکی از جوانان پاسخ داد «من یاد گرفتم که افراد سال‌خورده می‌توانند کاردرست باشند.» یکی از سالخوردگان گفت که یاد گرفته است از هر سن و یا نژادی که هستیم می‌توانیم به حرف یکدیگر گوش دهیم. در مراسم پایانی مشارکت‌کنندگان ایستادند و مانند پنگوئن‌ها دست زدند که نشانگر ارتباط است اما بدون اینکه صمیمیت را تحمیل کند و در کل بازیگوشانه است.

در پایان حلقه دو دختر که به نظر نمی‌رسید چندان به فرایند توجهی کرده باشند، به‌سرعت سراغ چند سالخورده رفتند و شروع به صحبت کردند. دختران اشتیاق خود به تکرار این تجربه را بیان کردند. راننده‌ای که سالخوردگان را از خانه سالمندان به آن‌جا منتقل کرده بود تعریف کرد که آنان از این تجربه بسیار راضی بودند و از اینکه در آن شرکت کرده بودند ابراز خوشحالی می‌کردند. گروه نیز اعلام کرد قصد دارد که جلسات بیش‌تری برای دور هم جمع کردن نوجوانان و سالمندان برگزار کند.

۱۰. حلقه‌ها در چشم‌انداز

«این (فرایند حلقه) به‌شدت ضد فرهنگ محسوب می‌شود. زیرا ما همیشه به دنبال راه‌حل‌های سریع هستیم. ما همه تشنه اجتماع هستیم. این محل بسیار مناسبی است برای رفتن و گفتن آنچه می‌خواهید و دانستن اینکه شنیده خواهید شد. این به ما راه دیگری برای تقسیم مردم به ما و آن‌ها می‌دهد.»

— یک مشارکت‌کننده در حلقه اجتماعی

تاثیر در اجتماع‌سازی

داستان‌گویی برای ایجاد اجتماع، ارتباط و کنش جمعی اهمیت بسیاری دارد و فیزیک کوآنتوم به ما می‌گوید که این محتوای ماده نیست که ماهیت آن را تعریف می‌کند بلکه رابطه آن با مواد دیگر است که این کار را انجام می‌دهد.

فرایند بافتن نیز استعاره مناسبی برای اجتماع‌سازی است. روابط، تار و پود پارچه اجتماع هستند، و ارزش‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی، چارچوب یا دستگاه نساجی برای تنیدن روابط اجتماعی در همدیگر هستند.

همان‌طور که چرخ‌نخ‌ریسی ابزاری برای تولید نخ است، داستان‌گویی نیز ابزاری برای ایجاد رابطه است. و همان‌طور که دستگاه نخ را به پارچه تبدیل می‌کند، رابطه‌هایی که در

هم تنیده می‌شوند یک اجتماع را به وجود می‌آورند. یکی از مهم‌ترین فواید حلقه‌ها تقویت شبکه روابط در میان گروه‌های مردم است. این ممکن است در کلاس درس، محله، محل کار، خانواده یا گروه‌های مذهبی باشد. وقتی که مردم دور هم می‌نشینند، درباره ارزش‌هایشان صحبت می‌کنند، داستان‌های شخصی خود را مطرح می‌کنند و اختلافات خود را در فضایی محترمانه حل می‌کنند، آنان رشته‌های محکمی از ارتباط را در میان خود می‌تارند. این ارتباطات ظرفیت اجتماع را برای مراقبت از تمامی اعضای خود و پیدا کردن راه حل برای مشکلات می‌برند.

حلقه‌ها برای اعضا فرصتی برای عضویت در یک اجتماع را فراهم می‌کنند که در آن بتوانند در این باره سخن بگویند که از یکدیگر چه انتظاری دارند و حاضرند به عنوان رفتار استاندارد چه تعهداتی بدهند. در حلقه‌ها آنان می‌توانند بر مبنای ارزش‌های مشترک و درک تاثیر تصمیماتشان بر دیگران این استانداردها را تعیین کنند.

حلقه‌ها چه تفاوتی با فرایندهای مشابه دارند؟

فرایندهای گوناگونی وجود دارند که به حلقه‌های صلح‌جویی شبیه هستند و ویژگی‌های کلیدی مشابهی دارند. به خاطر این تشابهات، برخی ممکن است تصور کنند که حلقه‌ها مانند همان فرایندها هستند. حلقه‌ها با این فرایندها تفاوت‌های قابل توجهی دارند که بر روابط و نتایج تاثیر می‌گذارد.

حلقه‌ها و گروه‌ها

کارکنان یک مرکز مددکاری پس از شنیدن درباره حلقه‌های صلح‌جویی بر این عقیده بودند که کاری که با جوانان انجام می‌دهند همان کارکرد حلقه را دارد.

در یکی از جلسات آموزشی برای جوانان آن مرکز مددکاری، از جوانان پرسیده شد که آیا حلقه کارکردی شبیه گروه آنان دارد. آنان قاطعانه پاسخ منفی دادند. جوانان ملاحظات قدرت را یکی از تفاوت‌های کلیدی دانستند.

در گروه آنان فرد گرداننده رفتار و میزان مشارکت آنان را سنجش و ارزیابی می‌کند. گرداننده درباره آنچه جوانان باید بگویند یا نگویند انتظارات مشخصی دارد. تحت آن شرایط، جوانان برای گفتن حقیقتشان احساس امنیت نمی‌کنند. اگر یکی از اعضای گروه

روی دیگران قدرت داشته باشد و بتواند آنچه در گروه اتفاق می‌افتد را در یک فرایند ارزیابی بدون اجماع گروه استفاده کند، دیگر این یک حلقه صلح‌جویی نیست. جوانان کاملاً آگاه بودند که در گروه آنان همه با هم برابر نیستند، که این یکی از پیش‌نیازهای اساسی حلقه‌ها است.

یک دانش‌آموز کلاس دهم برای عدم حضور در مدرسه به حلقه فرستاده شده بود. علاوه بر آن، او به خاطر سیگار کشیدن هم به در دسر افتاده بود. در جریان دومین حلقه، او داستانی گفت درباره اینکه از زمانی که در پاییز کلاس هشتم از مدرسه تا پایان سال تحصیل تعلیق شد دیگر در مدرسه احساس آرامش نداشته است.

هیچ کس در دبیرستان از آسیب روحی این تجربه بر او اطلاعی نداشت، تا زمانی که او و مادرش در این باره در حلقه صحبت کردند. او به اعضا گفت که این از کلاس هشتم تا کنون اولین باری بود که شخصی در مدرسه واقعا تلاش کرده بود بفهمد مشکل او چیست.^۱

حلقه‌ها و مشاوره

در یک حلقه صلح‌جویی، تخصص درمانی یا حرفه‌ای منبع اولیه درک و آگاهی از مشکلات نیست. مهم‌ترین منابع درک، داستان‌گویی توسط مشارکت‌کنندگان بر اساس دیدگاه شخصی آنان و خودانتقادی است.

به علاوه بر خلاف بسیاری از جلسات مشاوره و روان‌درمانی، نگهبان یکی از مشارکت‌کنندگان در حلقه است و ممکن است تجربیاتی از زندگی خود را که به گفت‌وگوی حلقه مرتبط است بیان کند. یک روان‌شناس یا مشاور ممکن است یکی از مشارکت‌کنندگان در حلقه باشد و تخصص حرفه‌ای خود را به عنوان بخشی از اطلاعاتی

۱. از یک گزارش درباره رفتار مداخله‌جویانه داخل مدرسه.

که حلقه در نظر خواهد گرفت مطرح کند، اما روان‌شناس برخلاف جلسات مشاوره گروهی، مسئول مدیریت تمامی تعاملات درون حلقه نخواهد بود. گرداننده حلقه کار گروه را مدیریت یا هدایت نمی‌کند. در یک حلقه، مشارکت‌کنندگان نه تنها مسئول رفتار خود هستند بلکه مسئولیت کیفیت فضای گروه را نیز بر عهده دارند.

حلقه‌ها و جلسات کلاس درس

بسیاری از کتاب‌های مدیریت کلاس درس و برنامه‌های مهارت‌های اجتماعی به‌ویژه در سطوح ابتدایی و راهنمایی، تشویق به تشکیل جلسات کلاسی می‌کنند. جلسه کلاسی زمانی است که در آن دانش‌آموزان مهارت‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند و تمرین می‌کنند. مهارت‌هایی مانند: تمجید کردن و تمجیدشدن، شنودگی، همدردی، حل مشکل، حل اختلاف، مدیریت خشم و شناسایی و ابراز احساسات.

این مهارت‌ها از طریق بازی‌ها یا فعالیت‌های خاص آموزش داده می‌شود و معمولاً دانش‌آموزان طی آن‌ها به صورت حلقه می‌نشینند. با این وجود عناصر کلیدی حلقه در این فعالیت‌ها غایب هستند، مانند: استفاده از ابزار سخن‌گویی، توانایی عدم مشارکت و این انتظار واضح که ابزار سخن‌گویی دور حلقه دست به دست خواهد شد.

چالش‌ها

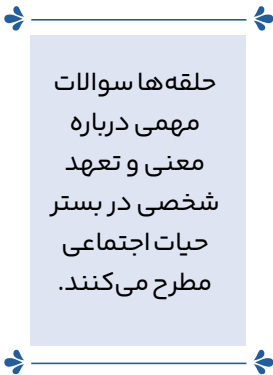
فرایند حلقه بر مبنای یک ایده ساده است: از آن‌جا که ما همه می‌خواهیم در روابط خوبی با دیگران باشیم، وقتی فضایی ایجاد می‌کنیم که محترمانه و تفکربرانگیز است، افراد می‌توانند از خشم، درد و وحشت خود عبور کنند تا زمینه‌ای مشترک پیدا کنند و از یکدیگر مراقبت کنند. اگرچه این مفهوم ساده‌ای است اما اجرای آن آسان نیست.

فرهنگ ما از راه‌های گوناگونی تشویق‌کننده جدایی، دیوسازی از افراد مخالف، رقابت، سلسله مراتب و تکیه بر متخصصان برای حل مشکلات است. این تمایلات در زندگی گروهی ما با قدرت و سرعت ما را در جهت مخالف حلقه‌ها هدایت می‌کنند.

حلقه‌ها سوالات بسیار دشواری را در زمینه معنی و تعهد فردی در بستر حیات اجتماعی مطرح می‌کنند: معنویت در یک فرایند عمومی چه معنایی دارد؟ ما چگونه ابراز معنویات یکدیگر را تکریم می‌کنیم؟ چه نمادهایی در یک فرهنگ متنوع معنادار هستند؟

ما چگونه به نمادها معنی می‌دهیم و آن معنی را تازه و سر زنده نگاه می‌داریم؟ وظیفه فرد در برابر کلیت بزرگ‌تر چیست؟ فرضیات بنیادین ما درباره ذات انسان چیستند؟ «سخن‌گفتن از صمیم قلب» نیازمند چه اقدامی از سوی ما است؟ آیا ما می‌توانیم وقتی چیزی به ما آسیب می‌زند قلب خود را باز و پذیرا نگه داریم؟ آیا واقعا می‌توانیم به این ارزش‌ها در زندگی خود پایبند باشیم؟ چالش‌های عمومی در حلقه‌های گوناگون واضح هستند. تغییر موضع از نصیحت‌کردن و پاسخ‌دادن، به مطرح‌کردن داستان‌های شخصی و پرسش‌های واقعی (که پاسخشان را ندارید) بسیار دشوار است. بسیاری از حلقه‌ها در تلاش برای یافتن لحنی هستند که این موضوع را به رسمیت می‌شناسد که همه بخش‌هایی جدانشدنی از یک کل هستیم.

بسیاری از حلقه‌ها همچنین با رابطه بین افراد عادی و اعضای که به صورت حرفه‌ای با حلقه آشنایی دارند در چالش هستند. نقش جدید متخصصان واضح نیست. ما به آنان می‌گوییم که عنوانشان را بیرون از حلقه بگذارند، اما در عمل این کار ساده‌ای نیست. متخصصان اطلاعاتی دارند که برای حلقه مفید است و مسئولیت‌هایی دارند که با ورود آن‌ها به حلقه پایان نمی‌یابد.



نقطه ارتباط بین فرایندهای حلقه و نهادهای اجتماعی بسیار حساس است. حلقه به دنبال حقیقت است و تلاش می‌کند فضایی به وجود آورد که در آن مشارکت‌کنندگان برای گفتن حقیقتشان احساس امنیت کنند و اگرچه ممکن است مجبور به پاسخ‌گویی برای اعمالشان شوند، مورد بی‌احترامی یا آسیب عمدی قرار نخواهند گرفت. اگر اطلاعات آشکار شده در حلقه موجب آغاز فرایندی خصمانه شود، تبعات آن ممکن است به تعهد حلقه برای تکریم شرف و صدای هر فرد خیانت کند.

گزارش کردن اجباری یک دوراهی به وجود می‌آورد؛ نه به این خاطر که اطلاعات باید مخفی بمانند، بلکه چون این اطلاعات ممکن است در فضایی آشکار شده باشند که رفتار محترمانه را حتی برای افرادی که اشتباهاتی کرده‌اند وعده داده است. اما وقتی که اطلاعات

به بیرون گزارش شدند، حلقه نمی‌تواند رفتار محترمانه و آسیب‌نبدیدن را تضمین کند. موضوع محرمانه‌ماندن در عمل بسیار چالش برانگیز است. برای حل مشکلات، تشویق به گفتن حقیقت امری ضروری است، اما در عین حال تضمین اینکه حقیقت‌گویی افراد را در معرض خطر نمی‌دهد نیز مسئولیت بسیار سنگینی است.

از آن‌جا که تصمیمات در حلقه از طریق اجماع گرفته می‌شوند ممکن است بر شخصی به دلیل مخالفتش برای همراهی فشار وارد شود. این فشار ممکن است حتی بدون حرف‌زدن اعمال شود. افرادی که قدرت یا داشتن صدایی را در زندگی تجربه نکرده‌اند ممکن است تصور کنند که بهتر است با بقیه گروه همراه شوند، حال چه موافق باشند یا نه. فهماندن این موضوع به تمامی مشارکت‌کنندگان که حقیقت و دیدگاه آنان مورد استقبال قرار خواهد گرفت، حتی اگر به معنی طولانی‌تر شدن فرایند اجماع باشد، امری بسیار دشوار و نیازمند تکرار است.

برای حامیان حلقه یکی از چالش‌ها عدم قضاوت درباره افرادی است که در برابر حلقه حصار می‌کشند یا علیه چشم‌انداز حلقه فعالیت می‌کنند. حلقه از ما می‌خواهد که پذیرای همگان باشیم و به کرامت ذاتی همه احترام بگذاریم، حتی اگر آن شخص به کرامت ذاتی دیگران یا ارزش‌هایی که ما در حلقه پذیرفته‌ایم احترام نمی‌گذارد. میزان علاقه ما به چشم‌انداز حلقه گاه ممکن است موجب واکنشی هیجان‌زده شود که توانایی ما برای شنیدن صداها را از بین می‌برد.

حتی وقتی حلقه‌ها کاملاً به قلب یا روح انسان‌ها نفوذ نمی‌کنند کماکان قدرتمند هستند. چندین هفته پس از برگزاری یک حلقه صدور حکم که مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت، قاضی این چنین گفت: «ایراداتی وجود داشت. بی‌نقص برگزار نشد. اما حالا که این‌جا نشستیم و درباره‌اش فکر می‌کنم به‌خوبی تمامی پرونده‌های دادگاهی من بود.»

۱۱. یک داستان حلقه: یافتن ارتباط در درون خانواده^۱

برای تعطیلات امسال خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌های من که معمولاً تبادل هدیه می‌کنند تصمیم گرفتند تا پول هدیه خود را به خیریه بدهند، که گامی بسیار بزرگ برای گروهی از نوجوانان و دانشجویان است. بچه‌ها در نهایت بیش از صد دلار به سازمانی برای حمایت از زنان و کودکان آزاردیده هدیه کردند. آن‌ها هیچ انتظاری برای دریافت هدیه در تجمع خانوادگی ما نداشتند. با هم بودن برای آن‌ها از همه چیز مهم‌تر بود. ما برای جشن خانوادگی سال نو دور هم جمع شدیم: چهار برادرم، دو خواهرم و تمامی بچه‌ها که در مجموع ۲۲ نفر می‌شدیم. پس از دادن هدیه به مادرم، که یک ارگ روی میزی بود، چند هدیه راه خود را به داخل اتاق پیدا کردند.

جعبه‌های شکلات، سبدهای کتاب و هدیه‌های دیگر از سوی بعضی ارائه شدند. من در مقابل فکر می‌کردم که ما قرارمان هدیه‌ندادن بود. آن‌جا نشستم و پس از مدتی تصمیم گرفتم که هدیه‌ای از سوی خود به آنان بدهم.

وقتی مادر بزرگ آواز خواندن را تمام کرد، من از خانواده خواستم تا بنشینند تا من هدیه خود را به آنان بدهم. ما به صورت حلقه نشسته بودیم. پس فضا از قبل آماده بود. من با برادران، خواهران، مادر، و تمام بچه‌ها درباره آنچه کارکنان مرکز مددکاری مینه‌سوتا

۱. از سینی زتاه (Cindy Zetah)، «هدیه حلقه»، (The Gift of Circle)، خبرنامه CRI، (فوریه ۲۰۰۴)، صفحه ۳.

در موس لیک (Moose Lake) در زمینه حل اختلاف انجام داده‌اند صحبت کردم: بهبود ارتباط، ساختن رابطه و تغییر فرهنگ. من حلقه و اهداف آن را توضیح دادم و خواهش کردم تا اجازه دهند تا این هدیه ارتباط را با آنان تقسیم کنم. خانواده‌ام در ابتدا با نگرانی پذیرفتند. به عنوان ابزار سخن‌گویی سبدي را انتخاب کردم که تازه دریافت کرده بودم و پیشنهاد کردم وقتی آن سبد را می‌بینند به تمام چیزهایی فکر کنند که در این حلقه در دوران تعطیلات با هم از سر گذرانده‌ایم. سوالات من از خانواده‌ام این بود: «در سال گذشته چه چیزی شما را تحت تاثیر قرار داد؟» و «در سال آینده انتظار چه چیزهایی را دارید؟» صداقت احساساتی که ارائه شد و عمق آن‌ها حتی من را غافل گیر کرد. مرگ یک عزیز، تنهایی در دانشگاه، نگرانی‌ها درباره بورس تحصیلی، ازدست‌دادن شغل، خدمت در عراق، شکرگزاری از یک ترفیع و بسیاری خاطرات دیگر از سال گذشته مطرح شد. امیدها برای آینده شامل بودن با خانواده، مسافرت، بودن با پسر خاله‌ها و دختر خاله‌ها و بازگشتن عزیزان از سربازی بود. من حلقه را پس از سه دور دست‌به‌دست‌شدن ابزار گفت‌وگو بستم. اما گفت‌وگوها درباره آنچه مطرح شده بود طی تمام آن شب ادامه پیدا کرد. اعضای خانواده با چشمانی اشکبار از من بابت هدیه‌ای که به آن‌ها داده بودم تشکر کردند و ابراز امیدواری کردند تا آن را دوباره تکرار کنند.

در تماس بودن در شرایط خوب و بد برای همه ما بسیار مهم است، حال مهم نیست کجا و مشغول چه کاری باشیم، اما به‌ویژه برای خانواده دارای اهمیت بسیار است.

۱۲. نتیجه

«حلقه‌ها چیزهای سخت را می‌گیرند و زیبایی درون آن را بیرون می‌کشند.»

— یک مشارکت‌کننده در حلقه

من این کتاب را با اذعان به این امر می‌نویسم که این‌ها از درک خود من از حلقه‌ها هستند. اگرچه راهنمایان بسیاری به من برای درک حلقه‌ها کمک کرده‌اند، هر دیدگاهی دارای محدودیت است. زیرا تنها از یک نقطه به حلقه نگاه می‌کند. من تنها حقیقت خود را می‌دانم. من نمی‌توانم حقیقت دیگران را بدانم.

من عمیقاً از آموزگارانی که حلقه را به زندگی من آوردند و همچنین از صدها و صدها نفری که داستان‌های فوق‌العاده خود را با من در حلقه مطرح کردند، سپاسگزارم. من در حلقه از طریق داستان‌های دیگران و مطرح کردن داستان خودم، بیش‌تر درباره خود و جایگاهم در اجتماع آموختم و در ذات متناقض‌نمای حلقه‌ها در جریان پیدا کردن جایگاه خود، فروتنی بیش‌تری نیز پیدا کردم و درکی بهتر از محدودیت‌های جایگاه خودم.

حلقه‌های صلح‌جویی راهی برای دور هم جمع کردن افراد ارائه می‌کنند تا گفت‌وگوهای دشوار داشته باشند و تضادها و اختلافات خود را حل کنند. فرایند حلقه راهی است برای گرفتن کامل‌ترین تصویر از خود، و از یکدیگر و موضوعی که به آنان کمک می‌کند تا با

یکدیگر در جهت خوبی قدم بردارند. حلقه‌ها بر مبنای فرض بر پتانسیل مثبت هستند؛ اینکه در هر موقعیتی باشیم چیز خوبی می‌تواند از آن بیرون بیاید. حلقه‌ها همچنین بر این فرض هستند که هیچ کدام از ما تمام تصویر را نداریم که تنها از طریق مطرح کردن تمامی دیدگاه‌هایمان می‌توانیم به تصویری کامل نزدیک‌تر شویم. مطرح کردن دیدگاه‌ها و خرد فردی موجب ایجاد یک خرد جمعی می‌شود که از مجموع اجزای آن بسیار بزرگ‌تر است. من معتقدم که حلقه مسیری برای تلفیق خرد باستانی زندگی جمعی با خرد مدرن درباره توانایی‌های فردی و ارزش دیدگاه‌های مخالف است. ما در یک حلقه هم به هر فرد و هم به جمع احترام می‌گذاریم. در یک حلقه ما در خود عمیق می‌شویم و همچنین به بیرون دست دراز می‌کنیم تا با اجتماع حلقه ارتباط پیدا کنیم.

جوامع مدرن غربی از کمبود ارتباط و عدم به رسمیت شناختن به هم پیوستگی انسان‌ها رنج می‌برند. در مقابل، بسیاری از جوامع شدیداً مرتبط، در ایجاد فضایی برای صداها و دیدگاه‌های متفاوت با چالش روبرو هستند. در جامعه پیچیده و چندفرهنگی ما این دو دیدگاه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و این فرصت را دارند تا مستقیماً از یکدیگر بیاموزند. حلقه ابزاری حیاتی برای این یادگیری است. ما در حلقه می‌توانیم توازنی سالم میان نیازهای فرد و گروه پیدا کنیم.

من معتقدم که حلقه همچنین راهی برای درمان آسیب‌های گذشته به عنوان یک جامعه است. شرم و وحشت از دست دادن علاقه و احترام موانع بزرگی در مسیر روبرویی با آسیب‌هایی است که ایجاد کرده‌ایم.

وقتی تمامی جوامع یا گروه‌هایی از افراد نیاز دارند که این آسیب به رسمیت شناخته شود، این امر باز دشوارتر می‌شود. ما در یک حلقه به اشتباهات خود اعتراف می‌کنیم و همچنین با خود و یکدیگر با شفقت برخورد می‌کنیم. ما هرگز در حلقه تنها نیستیم. آن هم‌دردی و ارتباطی که ما نسبت به دیگران احساس می‌کنیم فضایی وجود می‌آورد که در آن می‌توانیم با واقعیت دردناک تاثیر خود بر دیگران روبرو شویم. پس از به رسمیت شناختن، فرایند درمان برای ما و دیگرانی که آسیب دیده‌اند می‌تواند آغاز شود.

ما تازه در سطح فرایند حلقه هستیم و این فرایند می‌تواند محتوا و معنی زندگی ما را عوض کند. ما تنها توسط تخیل خودمان محدود می‌شویم و همچنین توسط اراده ما به قرار داشتن در یک رابطه محترمانه و محبت‌آمیز با دیگران، و توانایی ما برای اجازه دادن

برای ظهور الگوهای حلقه بدون اینکه تلاش کنیم آن‌ها را کنترل یا مدیریت کنیم.
 درک من از حلقه‌ها کماکان در حال تکامل است. من تفکرات خود درباره حلقه‌ها را به
 عنوان اموری مطلق مطرح نمی‌کنم، بلکه آن‌ها را به عنوان بخشی از یک گفت‌وگوی مداوم
 و سفری در مسیر یادگیری مطرح می‌کنم و من از توجه و هدیه‌هایی که دیگران در این
 مسیر اکتشاف ظرفیت انسان برای ارتباط و تعمق ارائه می‌کنند سپاسگزارم.

همان (The Same)

این زمانه‌ای است که در آن
 عمل‌کردن
 از دانستن
 جدا افتاده است،
 و بودن
 دیگر به‌ندرت مجال ظهور می‌یابد.

اما این‌جا و آن‌جا
 در این سوی افق،
 افرادی در حلقه‌هایی مقدس گرد هم می‌آیند
 تا اجتماعاتی شکل دهند
 و سخن قلب‌هایشان را بر زبان آورند
 قلب‌هایی که همان [یگانگی] را می‌خواهد.

— میر کاراسو

پیوست ۱: فرایند حلقه در مدارس

سینتیا زویکی، مدارس عمومی مینیاپولیس

فرایند حلقه برای مدارس یک همراه بسیار مناسب است. حلقه‌ها به شیوه‌های مختلفی در مدارس عمومی مینیاپولیس تلفیق شده‌اند.

حلقه‌های حل اختلاف

مدارس مکان‌هایی هستند که در آن‌ها آموزش و یادگیری به صورت طبیعی اتفاق می‌افتند. اغلب این آموزش توسط معلم و برنامه درسی او انجام می‌گیرد، اما گاه هم‌کلاسان نیز چیزهایی برای آموزش دارند. مدارس مکان‌هایی هستند که در آن‌ها اختلاف نیز امری روزانه است. در نتیجه، آن‌ها فضای مناسبی برای آموزش و یادگیری حل اختلاف هستند و حلقه‌ها امری ضروری برای این درس هستند.

در یک کلاس سوم دبستان، یک معلم برای اهداف مختلفی از حلقه استفاده می‌کرد. پس از آشنایی با فرایند حلقه، چند تن از دختران در کلاس که در پیروی از قوانین مدرسه مشکل داشتند در زنگ تفریح دور هم جمع شدند و یک حلقه روزانه برقرار کردند. هدف این حلقه حمایت از یکدیگر برای پرهیز از دردسر بود. آنان برای خود اهدافی را مشخص و از زمان حلقه برای بررسی پیشرفت‌هایشان استفاده کردند.

حلقه ذاتا پذیرا و برابرکننده است. به همین دلیل، حلقه می‌تواند تبدیل به محلی

شود که در آن هر مشارکت‌کننده به پیدا کردن راه‌حل کمک می‌کند. یک مثال از این، در کلاسی متشکل از بچه‌های ۶ تا ۹ ساله بود. در حیاط مدرسه، یکی از پسر بچه‌ها دختری را به زمین انداخته بود و رویش دراز کشیده بود. این امر دختر را شدیداً ترساند و دوستانش در حیاط مدرسه به دل‌داری‌دادنش آمدند.

آن بعد از ظهر، در جریان حلقه کلاسی، دختر از دوستانش برای کمکشان در هنگامی که او ترسیده بود تشکر کرد. یکی دیگر از دانش‌آموزان از روی کنج‌کاوی پرسید که چرا ترسیده بود، و دختر داستان را تعریف کرد. معلم به دانش‌آموزان اعتراف کرد که نمی‌داند چگونه به این امر پاسخ بدهد. بعد او دانش‌آموزان را آزاد گذاشت تا نظر بدهند. به مرور دانش‌آموزان شروع به پیدا کردن راه‌حل کردند.

در نهایت، یکی از دانش‌آموزان از پسر پرسید: «چرا با او این کار را کردی؟» او با لحنی مطیع پاسخ داد: «چون از او خوشم می‌آید.» پاسخ از سوی دانش‌آموزان این بود: «پس چرا کاری نمی‌کنی که او هم از تو خوشش بیاید؟»

معلم می‌داند که هرگز نمی‌توانست راه‌حلی برای این موضوع پیدا کند اما از طریق قدرت حلقه و مسئولیت جمعی، مشکل بالاخره حل شد.

حلقه‌های اجتماع‌سازی

در ابتدای سال تحصیلی، هر معلم لیست شاگردان جدیدش را دریافت می‌کند و با بی‌صبری انتظار ورود آنان را می‌کشد. با آغاز سال، حلقه‌ها اغلب برای ایجاد اجتماع شکل می‌گیرند. پرورش یک اجتماع سالم در کلاس درس از پایه‌های اساسی حل اختلاف است. ما یاد می‌گیریم که در اجتماع باشیم و این لزوماً به خاطر بودن ما در یک محل به صورت همزمان اتفاق نمی‌افتد. دانش‌آموزانی که از حلقه‌های روزانه در کلاس درسشان بهره برده‌اند متوجه تفاوت‌هایی با سال قبل شده‌اند. یکی از کلاس ششمی‌ها گفت: «امسال من اسم تمام بچه‌های کلاس را می‌دانم. پارسال نمی‌دانستم.» حلقه برای همه امکان سخن‌گویی و شنیده‌شدن را فراهم می‌کند. از این طریق ما می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که کسی جدا نخواهد افتاد.

شاید ساختن اجتماع در میان بزرگسالان به همان اندازه مهم باشد، اما کم‌تر به آن توجه شده است. اعتماد منطقی میان معلمان برای موفقیت دانش‌آموزان امر مهمی است.

در یک مدرسه، این ابتدا معلمان بودند که در آغاز سال تحصیلی جدید حلقه‌ای با هم درست کردند که بعد از آن در کلاس درس با دانش‌آموزانشان استفاده کردند. آنان مانند دانش‌آموزان متوجه تأثیرات مثبت فوری حلقه شدند. یکی از آنان گفت: «ما چهار سال است که با هم کار می‌کنیم و من نمی‌دانستم که پسر تو به همان مدرسه دختر من می‌رود!» آگاهی دست اول از فواید حلقه در ایجاد اجتماع، معلمان را تشویق به ایجاد آن در کلاس‌های درس کرده است.

حلقه به عنوان بخشی از برنامه درسی

معلمان همچنین از حلقه به عنوان محلی برای آموزش درس استفاده کرده‌اند. در یک کلاس مطالعات اجتماعی سال هفتم، معلم از دانش‌آموزان خواست تا واکنششان به فیلم «ریشه‌ها» را بیان کنند. این فضای تعاملی به دانش‌آموزان فرصت داد تا در معنای فیلم عمیق‌تر شوند و احساسات شخصی خود درباره موضوع دشوار و پیچیده فیلم را بیان کنند. از آن‌جا که حلقه‌ها محلی هستند که در آن‌ها به فردیت اشخاص ارزش داده می‌شوند، آن‌ها به مکانی امن برای یادگیری و بحث درباره دیدگاه‌های عمیق افراد تبدیل می‌شوند. آن‌ها برای معلم مفید هستند زیرا به آنان اجازه می‌دهند صدای تمامی دانش‌آموزان را بشنوند، امری که گاه در بحث کلاسی امکان‌پذیر نیست.

حلقه همچنین می‌تواند برای تقویت برنامه درسی موجود مورد استفاده قرار گیرد. مهارت‌های متعدد اجتماعی و برنامه‌های ضد آزار، کودکان را تشویق می‌کنند تا وقتی آزار می‌بینند ساکت نمانند. آموزش این استراتژی‌ها در حلقه می‌تواند برای دانش‌آموزان مکانی ایده‌آل برای اعتراض را فراهم کند. با استفاده از حلقه در کلاس درس، احتمال بیشتری وجود دارد که دانش‌آموزان از استراتژی‌های جدید و مهارت‌های تعامل ذکرشده در این برنامه‌ها استفاده کنند.

حلقه همچنین می‌تواند محلی باشد که در آن دانش‌آموزان از چالش‌ها و موفقیت‌های یکدیگر درس می‌گیرند. یک دانش‌آموز راهنمایی که از حلقه استفاده کرده است می‌گوید: «من از آن خوشم می‌آید چون اگر کسی همان مشکلی را دارد که شما دارید، می‌توانید به او گوش بدهید تا ببینید چطور آن را حل کرده است.»

نتیجه

روش‌های استفاده از حلقه در محیط مدرسه بی‌نهایت هستند و به هیچ وجه محدود به آن‌ها که این‌جا ذکر شده‌اند نمی‌شوند. در پرورش نسل‌های آینده برای این دنیا، حلقه ابزاری اساسی برای انتقال دانش، ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی پرمغز و تشویق به استفاده از راه‌حل‌های صلح‌جویانه برای اختلافات خواهد بود. محدودیتی برای شیوه‌های استفاده از آن وجود ندارد.

مطالعات پیشنهادی

- Baldwin, Christina. *Calling the Circle: The First and Future Culture* (Newberg, OR: Swan-Raven, 1994; reprint, New York: Bantam Doubleday Dell, 1998).
- Bolen, Jean Shinoda. *The Millionth Circle—How to Change Ourselves and the World: The Essential Guide to Women's Circles* (Berkeley: Conari Press, 1999).
- Bopp, Judie, et al., *The Sacred Tree: Reflections on Native American Spirituality* (Lethbridge, Alberta: Four Worlds International Institute, 1984).
- Boyes-Watson, Carolyn. *Peacemaking Circles and Urban Youth: Bringing Justice Home* (St Paul, MN: Living Justice Press, 2008).
- Engel, Beverly. *Women Circling the Earth: A Guide to Fostering Community, Healing, and Empowerment* (Deerfield Beach, FL: Health Communications, 2000).
- Garfield, Charles, Cindy Spring, and Sedonia Cahill. *Wisdom Circles: A Guide to Self-Discovery and Community Building in Small Groups* (New York: Hyperion, 1998).
- Pranis, Kay, Barry Stuart, and Mark Wedge. *Peacemaking Circles: From Crime to Community* (St. Paul: Living Justice Press, 2003).

See www.livingjusticepress.org.

- Ross, Rupert. *Returning to the Teachings: Exploring Aboriginal Justice* (Toronto: Penguin Books Canada, 1996).
- Wheatley, Margaret J. *Leadership and the New Science* (San Francisco: Berrett-Koehler Publishers, 1992).
- Zehr, Howard. *The Little Book of Restorative Justice* (Intercourse, PA: Good Books, 2002).
- Zimmerman, Jack, with Virginia Coyle. *The Way of Council* (Las Vegas: Bramble Books, 1996).

درباره نویسنده

کی پرانیس یک مربی و نویسنده در زمینه حلقه‌های صلح‌جویی و عدالت بازسازنده است. او به عنوان برنامه‌ریز عدالت ترمیمی برای اداره مددکاری مینه‌سوتا از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ فعالیت کرده است.

از سال ۱۹۹۸ کی مربی‌گری آموزش حلقه را در اجتماعات متنوع از قبیل مدرسه، زندان، محل کار تا کلیسا بر عهده داشته است و این کار را از شهرهای کوچک مینه‌سوتا تا جنوب شیکاگو تا مونت‌گومری در آلاباما انجام داده است. او مقالات متعددی درباره عدالت ترمیمی نوشته است و همچنین نویسنده مشترک «حلقه‌های صلح‌جویی: از جرم تا اجتماع» است.

هدف کی در کارهایش ایجاد فضایی است که در آن افراد بتوانند با یکدیگر ارتباط محبت‌آمیزتری داشته باشند. تجربه او به عنوان یک مادر و یک فعال اجتماعی، پایه‌های چشم‌انداز او برای صلح‌جویی و اجتماع‌سازی را شکل می‌دهند.

برای آموزش‌های حلقه می‌توانید به او از این طریق تماس بگیرید:

ایمیل: kaypranis@msn.com

تلفن: ۶۹۸/۶۵۱-۹۱۸۱

